

علیه جنگ پیاخیزیم!

هم میهنان عزیز:

مجروح کردند. مطبوعات رژیم از دستگیری صدها توده ای و فدائی خبر دادند.

هم میهنان مبارز!

جنگ ویرانگر و خانمانسوز ایران و عراق به مرحله جدیدی وارد شده و قربانیها و ویرانیهای بیشتر و بیشتری را موجب گردیده است. در تهران و بروجرد و دزفول و دیگر شهرها، مردم علیه جنگ و برای صلح به تظاهرات برخاستند. اعتراض بحق بقیه در صفحه ۲

عمال رژیم خونریز و جنگ طلب جمهوری اسلامی مردم زحمتکش کوی سیزده آبان در جنوب تهران را که به ادامه جنگ اعتراض داشتند به خون کشیدند. اما این جنایت آتش خشم و اعتراض حق طلبانه مردم را شعله ورتر ساخت. تظاهرات وسعت گرفت و مردم شهید داده سراسر منطقه را به عرصه تظاهرات و اعتراضات علیه جنگ و علیه این رژیم ستمگر تبدیل ساختند. در این تظاهرات عمال رژیم عده ای از مردمیکه صلح میخواستند را کشتند و عده بیشتری را



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۶۴ برابر ۲۲ آوریل ۱۹۸۵
پیا. ۴۰ ریال - سال دوم - شماره ۵۳

غریب شعار "مرگ بر جنگ"، زنده باد صلح! هر روز رساتر می شود

خود را فردای تظاهرات ۲۱ فروردین و داشت که به محله ۱۲ آبان و دیگر محلات تهران رفته و به نفع جنگ و ارتجاع و علیه صلح، مردم و نیروهای انقلابی از جمله سازمان ما شعار سر دادند. این ترفند نتیجه عکس بخشید. مردم به این اوباشانی که با چوب و چماق سوار بر موتور و وانت به محلاتشان سر زور کرده بودند، با نفرت می نگرستند و در موارد بسیاری با آن هادرگیر شدند.

با گسترش یافتن تظاهرات و انعکاس حرکات اعتراضی مردم در شهرستانها از جمله در اراک، تبریز، دزفول و برخی کانونهای تمرکز مهاجرین جنگی، رژیم هارتر شد. حکومت که ابتدا می خواست بر تظاهرات ۲۱ فروردین سرپوش بگذارد به دنبال بازتاب وسیع آن در میان مردم، ناچار گشت به وقوع آن اعتراف نماید. در اطلاعیه های تنظیم شده از سوی ساواک رژیم تنها کشته شدن یک نفر پذیرفته شد و بیه رقم انبوه دستگیر شدگان نیز اشاره ای نکردند. آن ها تنها از دستگیری صدها فدایی و توده ای خبر دادند. هم زمان با علنی کردن خبر تظاهرات، رژیم به کمک عوامل خود یک سری حرکات اوباشانه به راه

تظاهرات گسترده ۲۱ فروردین زحمتکشان کوی ۱۲ آبان تهران و محلات مجاور آن، تاثیر عظیمی بر جای نهاد. در هفته گذشته تاثیر این خیزش پرخروش هم بر روی مردم، چه در تهران و چه در شهرستانها، و هم بر روی رژیم به روشنی پدیدار بود. مردم به حمایت از این تظاهرات برخاستند. در بسیاری از نقاط تهران این تظاهرات پی گرفته شد و رژیم راه راسان تر ساخت.

هنوز تظاهرات در کوی ۱۲ آبان جریان داشت که خبر آن به بسیاری از نقاط تهران رسید. از فردای آن روز علی رغم آماده باش سرتاسری ارکانهای سرکوب دشمن و جنگ و دندانی که گشت های مختلف در تهران نشان می دادند، حرکت های اعتراضی مختلفی برپا گردید. مناطق مرکزی تهران و محلات دولت آباد، افسریه، نظام آباد، میدان آزادی و... از جمله کانون های حرکت های اعتراض مردم بودند. مردم بی هراس از مسلسل های آماده به شلیک مزدوران رژیم جمع می شدند و علیه رژیم، علیه جنگ و علیه کشتار مردم تظاهر کننده در محله ۱۲ آبان شعار می دادند.

رژیم درصدد مقابله به مثل برآمد. اوباشان

بقیه در صفحه ۲

مصاحبه "اکثریت" با یکی از اعضای دفتر سیاسی "جبهه خلق برای آزادی عمان"

برای پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع باید همه اشکال مبارزه را به کار گرفت

در صفحه ۱۲

در فروغ شعله ای که انقلاب ثور بر افروخت، افغانستان به پیش می رود

با فرارسیدن هفتم اردیبهشت، هفت سال از روزی میگذرد که خلق افغانستان با سرنگونی رژیم ضد مردمی داود، سرنوشت خود را بدست گرفته و افق پیشرفت و بهروزی را بر روی این کشور بخواب رفته در ژرفای قرون کهن، کشود. از آن روز تا کنون، انقلاب ثور (اردیبهشت) با گذر از فراز و نشیبهای بسیار، دستاوردهای گرانقدری در همه عرصه ها کسب کرده و هر گامی که به جلو برداشته، بر خشم و نفرت و کینه توزی امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا و مرتجعین منطقه، از جمله سران جنایتکار جمهوری اسلامی و پاکستان نسبت به خود افزوده است. جلوه بارز ضربه سنگینی که انقلاب ثور و تحولات دموکراتیک مردمی در افغانستان به منافع آمریکا و متحدین آن زده است، تلاش مذبوحانه آنان برای بی ثبات کردن افغانستان انقلابی است. واشنگتن هر سال دهها میلیون دلار از طریق رژیم نظامی ضیا الحق در اختیار اشرار و راهزنان مستقر در پاکستان می گذارد تا به شهرها، روستاها، کارخانه ها، مزارع، مدارس، بیمارستانها و... حمله برده مردم بیگناه را به قتل رسانند. رسانه های گروهی امپریالیستی و رادیو تلویزیون و مطبوعات جمهوری اسلامی روزی نیست که جعلیاتی بنام "اخبار" از عملیات ضد انقلابیون افغانی منتشر نسازند. آنها از جمله بارها اعلام کرده اند که "هرات در دست مجاهدین است."

در سالگشت انقلاب افغانستان کوتاه شده گزارش از هرات را به نقل از خبرنگار هفته نامه "عصر جدید" منتشر می کنیم تا دریابیم که در هرات چه می گذرد، مردم چه می کنند و اشرار به چه مشغول هستند. این گزارش را در صفحه ۸ می خوانید

همبستگی جهانی با زنان ایران در روز ۸ مارس آمریکا

فدائیان خلق در جنوب کالیفرنیا به مناسبت فرارسیدن هشتم مارس روز همبستگی بین المللی زنان با شرکت در گردهمایی های ویژه این روز ضمن اعلام همبستگی با مبارزات زنان پیشرو سراسر جهان به تشریح وضعیت زن در رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

در یک گردهمایی که با حضور رهبران جنبش صلح و چندین اتحادیه کارگری و به همراه بسیاری از اعضا و رهبران حزب کمونیست آمریکا در لس آنجلس برگزار گردید، فدائیان خلق در جنوب کالیفرنیا نیز شرکت کردند و به تشریح اوضاع کنونی ایران، ادامه جنگ خانمانسوز با عراق مبارزات نیروهای انقلابی علیه رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پرداختند. آنان پس از توضیح کامل در مورد زندگی و مبارزات زنان ایران در عرصه های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی به سوالات شرکت کنندگان در مورد سیاست های رژیم ارتجاعی ایران و شیوه های فعالیت و مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران پاسخ گفتند.

میز فروش نشریات که روی آن نشریه کار، مصوبات و اسناد پلنوم همراه کمیته مرکزی سازمان بیانیه در مورد زندانیان سیاسی و مقاله ای در مورد زنان ایران به زبانهای انگلیسی و اسپانیولی ارائه شده بود بسیار مورد استقبال قرار گرفت.

همچنین در روز ۹ مارس فدائیان خلق در جنوب کالیفرنیا برنامه دیگری را برای بزرگداشت روز جهانی زن بطور مشترک با "سازمان زنان پیشرو" بقیه در صفحه ۱۱

در این شماره:

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

در صفحه ۷

در آستانه اول ماه مه

نگاهی به عملکرد سندیکا های شوروی

در صفحه ۱۴

رساتر باد فریاد اعتراض جهانی علیه ترور و اختناق

علیه شکنجه و اعدام در ایران

در صفحه ۱۰

پنج سال از فاجعه "انقلاب فرهنگی" گذشت

در صفحه ۲

علیه رژیم متحد شویم، به حکومت ارتجاع پایان دهیم!

بقیه از صفحه اول

غریو شعار "مرگ بر جنگ، زنده باد صلح!" هر روز رساتر می شود

داخل و خارج به راه افتاده می گوید بپایید صلح کنید" اعتنا نخواهد کرد و هم چنان بر تنور جنگ خواهد دمید.

خامنه ای نیز در نماز جمعه هفته گذشته تهران به شعار صلح و مردمی که از تداوم جنگ به جان آمده اند، حمله برد. اوباشان حکومت در نماز جمعه تهران کفن پوشیده بودند و به نفع جنگ و علیه صلح شعاری دادند. خامنه ای شهادت این حرکات مزدوران حکومت را نشان دهنده پشتیبانی مردم از جنگ (!) دانست.

تبلیغات هفته گذشته و تبلیغاتی که با عنوان هفته نیروهای مسلح در روزهای جاری از جانب حکومت به نفع جنگ صورت می گیرد، بیش از هر چیز واکنش در قبال حرکات اعتراضی مردم در هفته های اخیر محسوب می شود. رژیم از چندی پیش برای تشدید این گونه تبلیغات تدارک دیده است. از جمله از مدتی پیش هزاران قلک مجانی را در بین دانش آموزان توزیع کرده اند تا دانش آموزان در آن قلک ها برای کمک به جبهه پول جمع آوری کنند. این اخاذی به شدت نفرت خانواده ها را برانگیخته است. در جمعه هفته پیش رژیم عده ای از دانش آموزان قلک به دست را با فشار و تهدید امور تربیتی و انجمن های اسلامی در جلوی مدرسه البرز جمع کرده و سپس آن ها را برای نمایش به سوی محل نماز جمعه روان ساخت.

این گونه دهن کجی ها به خواسته مبرم برقراری صلح، بر نفرت مردم می افزاید و دامنه جنبش اعتراضی را گسترده تر می کند.

انداخت. موتور سوارها و وانت سوارها در مناطق مرکزی و جنوبی شهر خاصه در نقاطی مثل میدان ولی عصر، چهار راه مصدق، خیابان مصدق، جمهوری و بهارستان به راه افتادند و به عربده کشیدن به نفع جنگ، به نفع حکومت و علیه مردم نظام شکننده و سازمان های انقلابی پرداختند. این اوباشان که هتکی در استخدام کمیته وسپاه هستند، در این حرکات خود نیز، وحشیگری و هرزگی همیشگی شان را بروز دادند. آن ها علاوه بر شعار دادن علیه صلح و علیه سازمان های انقلابی، شعار مرگ بر بی حجاب را نیز تکرار می کردند و به زنان حمله ور می گشتند. مردم این مزدوران رژیم را بی پاسخ نگذاشتند. مردم دیگر از زنجیر و چماق و چهره های برافروخته این اوباشان مرعوب نمی شوند.

هم چنان که گفتیم در هفته گذشته تاثیر تظاهرات ۲۱ فروردین و حرکت های اعتراضی بعد از آن به وضوح بر روی مسئولین رژیم آشکار بود. آن ها علاوه بر راه انداختن یک سلسله اوباشیگری، در موضع گیری ها و سخنرانی های خود مستقیم و غیر مستقیم به این تظاهرات پرداخته و دست به فحاشی علیه مردم، سازمان های انقلابی و شعار صلح زدند. خمینی در سخنرانی ۲۹ فروردین خود برای نخستین بار ناچار شد به وجود مخالفین جنگ در داخل اعتراف کند. او که در حضور همه مسئولین کشوری و لشکری درجه اول جمهوری اسلامی و به مناسبت هفته نیروهای مسلح سخن می گفت شدیداً به مخالفین جنگ حمله کرد آن ها را یک مشت "بدبخت" دانست. خمینی در این سخنرانی گفت به "جریان خاصی که در

در هفته گذشته اعضا و هواداران دلیر سازمان ما با تمام قوا در حرکات اعتراضی مردم شرکت جستند. آن ها اعلامیه مشترک کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران و نیز اعلامیه کمیته ایالتی تهران سازمان و اعلامیه ها و تراکت های منطقه ای را در هزاران نسخه در تهران و شهرستان ها پخش کرده و نقش به سزایی را در گسترش حرکات اعتراضی و تعمیق جنبش مقابله با جنگ و رژیم ایفا نمودند. فعالیت های رفقای مادر هفته های گذشته به شدت خشم رژیم را برانگیخته است. نماینده قائم شهر در مجلس، در سخنرانی پیش از دستور خود گسترش شعار صلح را کار سازمان دانست و اوباشان رژیم در وحشیگری های هفته گذشته خود با شعار دادن علیه سازمان خشم حکومت را از تبلیغات رفقای ماحول شعار صلح عیان ساختند.

قادره کشی های اوباش حکومت و توسل مزدوران مسلح رژیم به مسلسل و گاز اشک آور، مردم را از حرکت باز نمی دارد. این امر به خوبی در حوادث هفته گذشته عوید ا بود. علی رغم سرازیر شدن مزدوران حکومتی به سوی محله ۱۲ آبان، اهالی این محل مراسم هفتم شهادت تظاهرات ۲۱ فروردین را برگزار کردند و یک بار دیگر نفرت خود را از رژیم عیان ساختند.

حرکات اعتراضی مردم، هم چنان ادامه دارد. آخرین خبرهای رسیده حاکی از مقاومت مردم در برابر مزدوران حکومتی در میدان هفت حوض و نیز در پارک ملت (روز ۲۹ فروردین) است. جنبش روبه گسترش است. غریو شعار "مرگ بر جنگ، زنده باد صلح!" و خروش نفرت مردم از ارتجاع، هر روز در میهن بلادیده ما رساتر و پرطنین تر می گردد.

تعداد کشته شدگان، مخصوصاً از شهرستان ها نیرو به جبهه فرستاده و در عملیات بدر شرکت داده است تا با پخش شدن تعداد کشته شده ها در بین شهرستان های مختلف، تعداد زیاد تلفات محسوس نباشد. با این وجود اکنون خیلی از شهرستان ها کاملاً حالت عزا به خود گرفته اند و مردم به شکست عملیات بدر پی برده اند.

از زیاده تر شدن اختلاف ها هم در ارتش و هم در سپاه و هم داخل میان آن دو حرف هایی شنیده می شود، چه در رابطه با جنگ شهرها و چه در خصوص عملیات بدر. این بحران خصوصاً پس از شلیک دفاع هوایی به سوی هواپیماهای نظامی دولتی که منجر به سقوط یک فروند شکاری اف - ۴ در قرچک گردید، تشدید شد. گفته می شود که تمام مراکز دفاع هوایی داخل و حومه تهران از رادار جهت تشخیص هواپیماهای عراق برخوردار نیستند و با شلیک یکی از مراکز اصلی بقیه هم بی محابا شلیک می کنند. این مساله موجب اصابه کلوله به یکی از هواپیماهای خودی شده که خلبان آن کشته و کمک خلبان آن مجروح گردید.

گویا به دنبال همین مساله و نظایر آن بوده که در هفته اول فروردین، دوشب پیاپی تنها بعد از ورود و عمل هواپیماهای عراقی، ضد هوایی های تهران، خیلی کم و آن هم با تاخیری قابل ملاحظه به کار افتاد که موجب شد عراقی ها بتوانند بدون دردسر دو منطقه جنوبی تهران (افسریه و ۱۲ آبان) و شب بعد دولت آباد را بزنند..."

از میان نامه ها

در شماره هفته پیش نشریه، اقدام به درج چهار نامه که به توصیف تهران در دور جدید جنگ که به "جنگ شهرها" مشهور شد، اختصاص داشت، اقدام کردیم. در این شماره نیز نظر شمارا به بخش هایی از یک گزارش جلب می کنیم که یک هفته پیش از تظاهرات ۲۱ بهمن محله ۱۲ آبان نوشته شده است. در این نامه گزارش گونه به روشنی می توان زمینه های حرکت های اعتراضی ۲۱ بهمن و پس از آن را بی گرفت.

تهران جنگ زده

"... بعد از بمباران های اخیر تهران، غم و اندوه توام با خشم و غضب در سیمای مردم موج می زد. آن ها که از محله دولت آباد، کوی سیزده آبان، افسریه و خزانه دیدن کردند، ناظر بودند که چگونه مردم خانه خراب شده و به عزا نشسته با اندوه و حیرت به خانه های ویران شده و با نفرت به حزب الهی هایی که به آن جا آوردند تا شعار "جنگ، جنگ، تا پیروزی" سر بدهند، نگاه می کردند. رژیم که برای جلوگیری از فراگیری خشم مردم و نیز جلوگیری از هجوم مردم برای دیدن آن مناطق و از این طریق برپایی اجتماع، از اعلام آن در رادیو خودداری می کند، خودش بلافاصله هر بار دو

سه مینی بوس حزب الهی به آن محله های فرستد تا به نفع جنگ و به نفع حکومت شعار دهند.

و تیغه نیروهای انتظامی در این موقعیت ها که بلافاصله منطقه بمباران شده را محاصره می کنند، کنترل شدید منطقه، جلوگیری از حضور عناصر "مشکوک" و داشتن آمادگی جهت مقابله با حرکات ضد جنگ بمباران شده ها می باشد.

رژیم بلافاصله سعی می کند تا منطقه را با بولدور صاف کند به طوری که هیچ اثری از بمباران باقی نمانده باشد. پیاده کردن مقادیر زیادی شیشه در محل، جهت تعویض شیشه های خرد شده خانه های اطراف هم یکی دیگر از اقدامات حکومت است. در واقع رژیم برای از بین بردن آثار بمباران، بیشتر از نجات جان مجروحین و آسیب دیدگان اهمیت قابل است. البته از بین بردن آثار بمباران به معنی ترمیم خرابی ها نیست. بعد از بمباران کوی سیزده آبان که در جریان آن ۹ نفر کشته و خانه های زیادی خراب شدند، اهالی محل به نخست وزیری رفتند تا شاید دولت در بازسازی خانه های شان به آن ها کمک کند. ولی پاسداران نخست وزیری با خشونت و فحاشی آن ها را بیرون کردند و گفتند خانه توی جیب ما که نیست به شما بدهیم!

نفرت مردم از جنگ به خوبی در همه جا هویداست. رژیم خیلی هراسان است. به عنوان مثال از اعلام تعداد کشته شدگان جنگ بدر خودداری می کند. رژیم از ترس انعکاس وسیع

پنج سال از فاجعه "انقلاب فرهنگی" گذشت

سال پس از این واقعه اوباشان رژیم برد و دیوار دانشگاه نوشتند، گوشه‌ای از ابعاد این فاجعه را نشان می‌دهد: "سنگر، دانشگاه من - تفنگ، قلم من - خون، مرکب من - شهادت، مدرک من - ..."

آری با کشتار، دستگیری، شکنجه، اخراج، ترور و اختناق، این گونه باورهای سیاه و منحصر به مثابه نظرگاه رسمی حکومت در دانشگاه تبلیغ کردند و تعلیم دادند و محیط دانشگاه‌ها را به سنگر مبارزه با دانش بدل ساختند. جنگ و جبهه و کشتار جوانان تقدیس شد. قلم‌ها را به یاری تفنگ شکستند.

و اکنون پنج سال از آغاز "انقلاب فرهنگی" می‌گذرد. نتایج فاجعه بار آن در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بیش از پیش برملا گردیده است؛ اما ارتجاع نیز در پیشبرد اهداف پلید و سیاهش ناکام و حسرت به دل مانده است. "ناتوانی و درماندگی رژیم خمینی در پیشبرد سیاست‌ها و اقدامات تبهکارانه‌اش در دانشگاه و کشمکش‌های جدی دسته بندی‌های حکومتی از یک سو، و رشد مبارزات دانشجویان از سوی دیگر، بیان وضعیت کنونی دانشگاه‌هاست" (کار شماره ۱۴)

رژیم خمینی را نه یارای تبدیل دانشگاه به حوزه است و نه توان بستن آن. نه می‌تواند دانشگاه این سنگر پرافتخار آزادی و ترقی‌خواهی را، در شرایطی که توده‌های وسیع خلق مشت‌های گره شده از خشم خویش را به شویش تکان می‌دهند، تحمل کند و نه می‌تواند آن را رام خویش سازد. در چنین شرایطی، همچنان خمینی تکرار می‌کند: "همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است، ریشه همه گرفتاری‌های ما از دانشگاه بود" (خمینی در دیدار با فاضل، ۲۷ فروردین)

دانشجویان مبارز و انقلابی ایران مهیا با تقابل روزافزون توده‌ها با رژیم، این گفته خمینی را بیش از پیش به واقعیت نزدیک خواهند ساخت. آنان نشان خواهند داد که آن همه سرکوب‌گری، اختناق و تصفیه قادر نخواهد بود آنان را از همپایی و مصوبی با خلقشان بازدارد. تمامی وقایع و حرکت‌های دانشجویی یک ساله اخیر مویید این امر است. دانشجویان می‌روند که جای دیرین خویش را در جنبش خلق باز یابند.

پنج سال از آغاز فاجعه‌ای که در پایان فروردین ۱۳۵۹ شکل گرفت، می‌گذرد. در این روز یورش سراسری چماقداران و قداره‌بندان رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاه‌های کشور آغاز شد. برای این یورش عناوین پرطمطراقی از قبیل انجام اصلاحات بنیادین در نظام آموزشی کشور، ایجاد یک نظام نوین مبتنی بر نیازهای جامعه و انجام "انقلاب فرهنگی" تراشیده بودند. اما از همان آغاز اهداف واقعی "انقلاب فرهنگی" مورد نظر "آقا" پان آشکار بود. سطح رشد جنبش توده‌ای و حضور فعال نیروهای انقلابی و میهن‌پرست اجازه پیشبرد علنی اهداف سرکوب گرانه و ارتجاعی را نمی‌داد. این "انقلاب فرهنگی" و به تعبیر نماینده سازمان دانشجویان پیش‌نام در مناظره تلویزیونی، "انهدام فرهنگی" ماهیتش را با شکل اجرایش به نمایش گذاشت.

تمام دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور صحنه یورش چماقداران و مرتجعین افسارگشاده‌ای گشت که با تمام کینه صدها ساله خویش به دانش و ترقی خواهی و اندیشه متعالی، به دانشجویان حمله می‌بردند: دانشجویانی که از دستاوردهای انقلاب در دانشگاه‌ها، از آزادی و آزاد اندیشی دفاع می‌کردند.

در دانشگاه‌های تهران، اهواز، کیلان، تربیت معلّم و چندین مرکز آموزش عالی دیگر ده‌ها دانشجو آماج گلوله‌ها و یا ضربات چاقو و قمه ایادی رژیم واقع شده و به شهادت رسیدند؛ به ویژه جنایات و فجایع انجام یافته در دانشگاه اهواز حتی اکنون نیز در میان جنایات بی‌شمار رهبران جمهوری اسلامی قابل ذکر است. دانشجویان دانشگاه تهران سه روز در زیر رگبار سنگ و چوب و گلوله قرار داشتند؛ چندین نفر کشته و صدها نفر به شدت مجروح شدند. خاطره شهادی روز دوم اردیبهشت دانشگاه‌ها، چون شهادی ۱۶ آذر ۱۳۲۲، همیشه برای دانشجویان انقلابی و جنبش دانشجویی ایران زنده و الهام بخش است.

روز بعد در نماز جمعه دانشگاه تهران مقامات رژیم مسئولیت این فجایع را به عهده گرفتند. چهار ماه بعد تعطیلی دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور اعلام گشت. این تعطیلی تقریباً سه سال ادامه یافت. این تعطیلی در تمام ابعاد آن فاجعه بار بود، شکاری که سه

اعلامیه مشترک

بقیه از صفحه اول
توده‌های بستوه آمده از جنت روز بروز دامنه وسیع تری به خود می‌گیرد. در این میان حکام جمهوری اسلامی بنا به سنت دیرین ارتجاع و استبداد خشم خود را بر سر مردم بیدفاع فرو میریزند. بیدادگری رژیم فرزندان در بند خلق را همچنان به مرگ تهدید می‌کند. بدنبال تشدید اعتراض بحق شما علیه جنت و بمباران‌ها، ماموران ارتجاع به زندان اوین یورش برده و زندانیان اسیر را مورد وحشیانه‌ترین حملات قرار داده و بسیاری را مجروح و مصدوم کرده‌اند. خانواده این زندانیان دسته جمعی برای اعتراض به قم رفته‌اند. اما شره این دادخواهی، بی‌احترامی و خشونت مامورین رژیم بوده است.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بار دیگر با نفرت و انزجار این جنایات رژیم و سیاست ضد مردمی و ضد ملی و جنت طلبانه آنرا بشدت محکوم می‌کنند و همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران را به مقابله و ایستادگی و اعتراض علیه آن فرامیخوانند.

هم‌میهنان عزیز!

با استفاده از هر فرصت مناسب، از تظاهراتی که علیه جنت صورت می‌گیرد پشتیبانی کنید. رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم را به تسلیم در برابر اراده خلق وادار سازید. حکام جمهوری اسلامی برای اجرای سیاست ضد ملی و جنایتکارانه خود از آتش زدن به هستی شما ابدان دارند. راه برون رفت از فاجعه نابود کننده جنت، گسترش تظاهرات اعتراض و شرکت هر چه وسیع‌تر در مبارزه بخاطر صلح است.

بیا خیزیم و با اعتصابات و اعتراضات خود به این جنت خانمان سوز و جنایات بیش‌مانه ارتجاع حاکم خاتمه دهیم!

زنده باد صلح!

پیروز باد مبارزه متحد و متشکل مردم صلح دوست و آزادیخواه ایران علیه میت حاکمه ارتجاعی و استبدادی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

۲۴ فروردین ۱۳۶۴

واکنش رژیم در برابر تظاهرات ضد جنگ ایرانیان در بن

همان گونه که در شماره‌های گذشته اکثريت خواننده‌اید در بسیاری از شهرهای جهان به دعوت سازمان‌های فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در خارج از کشور تظاهرات گسترده‌ای علیه جنت و علیه رژیم برپا شد.

تظاهراتی که در بن پایتخت آلمان فدرال برگزار گردید با استقبال قریب به هزار تن از ایرانیان و گروهی از آلمانی‌های صلح دوست قرار گرفت. در این تظاهرات شکوهمند خواست و اراده

مواداران سازمان، اعلامیه‌های افشاگرانه پیرامون سرکوب خونین تظاهرات محله ۱۲ آبان تهران پخش می‌کرد مورد یورش چهارتن از کسانی قرار گرفت که

افشای سرکوب‌گری‌های رژیم خمینی بی‌سناک کردند. آن‌ها به دفاع از رژیم برخاسته و ضمن پاره کردن اعلامیه‌ها، رفیق‌های سازمان را به شدت مضروب ساختند تا خبر این جنایت ننگین رژیم در این شهر میان ایرانیان و آلمانی‌ها بازتاب نیابد. لازم به یادآوری است که این مدافعین رژیم خمینی

در عین حال خود را هوادار برخی از گروه‌های سیاسی می‌نامیدند.

مردم میهن ما مبنی بر قطع فوری جنگ بازتاب یافت.

در پی آن مقامات رژیم جمهوری اسلامی که از دستاوردهای این اقدام انقلابی متوحش شده بودند، حرکاتی را برای مقابله با آن آغاز کرده‌اند. بنا به گزارش‌های آلمانی از آلمان فدرال در هفته گذشته سفارت ایران با به کارگیری همه توان خود، چنده تن از افراد انجمن‌های اسلامی و کارکنان سفارت را در خیابان‌های بن به حرکت درآورد، تا شعارهای جنگ طلبانه رژیم را تکرار نمایند. سفارت جمهوری اسلامی با این خیمه شب بازی بر آن بود تا وانمود نماید که گویا ایرانیان خواستار جنگ هستند.

علاوه بر این در شهر مونستر هفتایی که یکی از

از رویدادهای ایران

مسئولین رژیم هم صد ابا خمینی :
"جنگ، جنگ، تاپیروزی"

هفته گذشته، همچون هفته پیش از آن خبر مهمی در زمینه درگیری در جبهه‌های جنگ گزارش نشد. ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی اطلاعیه‌های میشتی خویش را در زمینه تبادل آتش در جبهه‌ها انتشار دادند و عراق نیز علاوه بر انتشار اطلاعیه‌هایی از این دست، مهمترین حمله‌ای که صورت داد پرتاب موشک به یک نفت کش قبرسی در شب چهارشنبه ۲۸ فروردین بود. این کشتی از جزیره خارک به سمت تنگه هرمز حرکت می‌کرد علاوه بر این عراق مدعی شد که یک فانتوم ایرانی را در نزدیکی شهر بصره سرنشون کرده است.

در هفته گذشته جمهوری اسلامی مساله استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی را به عنوان محور حرکت تبلیغی خود در مجامع بین المللی برگزید و عراق نیز هشدار داد که جمهوری اسلامی قریباً تصمیم دارد یک عمل بزرگ را آغاز کند.



جنگ در لجنزار

جمهوری اسلامی این اظهارات مقامات عراقی را تکذیب نکرد و برای قدرت نمایی هم در نزد عراق و هم در نزد مردم ایران، از ۲۹ فروردین تا ۴ اردیبهشت را هفته نیروهای مسلح اعلام نمود و به همین مناسبت در روز پنج‌شنبه که روز ارتش نامیده شده بود، یک رژه بزرگ نظامی ترتیب داد.

تأثیرات تظاهرات گسترده ۲۱ فروردین در کوی ۱۲ آبان و چند تظاهرات دیگری که پس از آن در برخی محلات تهران انجام شد و نیز تظاهرات ضد جنگ در چند شهر دیگر، به وضوح در سخنان مسئولین جمهوری اسلامی در هفته گذشته به چشم می‌خورد. خمینی در سخنرانی مهم خود در روز ۲۹ فروردین، روز آغاز این هفته نیروهای مسلح در حضور همه مسئولین درجه اول کشوری و لشکری، برای نخستین بار به وجود مخالفین در داخل کشور اتراف کرد. وی گفت: "جریان خاصی در داخل و خارج به راه افتاده که بیایید صلح کنید... دیگر نمی‌شود. مگر ما چه می‌خواستیم بکنیم که دیگر نمی‌شود." وی در توضیح این که جمهوری اسلامی چه می‌خواهد بکند گفت: "اکنون فریاد یاللمسلمین ملت عراق بلند است... ما باید به داد ملت مظلوم عراق که اکنون زیر پای صدام خرد می‌شود برسیم و به ندای آنها جواب بدهیم... ما تابه آخر پافشاری می‌کنیم." در پایان این سخنرانی همه مسئولین جمهوری اسلامی یک صد فریاد "جنگ، جنگ، تاپیروزی" سر دادند.

خامنه‌ای نیز در سخنرانی نماز جمعه تهران به نوعی دیگر این سخنان خمینی را تکرار کرد. وی این که "مردم صحنه را خالی کرده‌اند" یعنی این واقعیت که مردم از جنگ و از رژیم بیزاروند را تکذیب کرد و حضور نمایشی تعدادی "کفن پوش" در نماز جمعه تهران را "نشان دهنده حضور مردم در صحنه" دانست.

رژیم هجوم‌های گسترده تازه‌ای را در کردستان تدارک می‌بیند

با آغاز فصل گرما، رژیم در صدد است که هم چون سال گذشته دست به هجوم‌های گسترده‌ای در کردستان زده و به سرکوب مبارزات خلق کرد وسعت بیشتری بخشد.

برای تدارک یورش‌های جدید، سپاه پاسداران مرکز طی اطلاعیه‌ای از آن دسته عوامل سرکوبگر رژیم که اعزام به کردستان را می‌پذیرند، خواسته است که خود را تا تاریخ اول اردیبهشت به مراکز بسیج معرفی کنند.

اخیراً سپاه پاسداران در صدد تربیت نیروهای ویژه‌ای برای سرکوب خلق کرد بر آمده است. در کیهان ۲۱ فروردین در این مورد یک آگهی استخدام از سوی این ارگان به چاپ رسیده است.

تشدید تحریکات کومله در کردستان

حملات کومله به مقرهای حزب دمکرات کردستان ایران همچنان ادامه دارد و اخیراً با حمله به قرارگاه‌های این حزب در مرکز "آژوان" و به قتل رساندن یکی از اعضای رهبری حزب بعد تازه‌ای بخود گرفته است.

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران در تاریخ ۱۰ فروردین طی اعلامیه‌ای اعلام داشت که صدیق فرخیان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی این حزب در سرگاه اول فروردین بدست افراد مسلح کومله به شهادت رسید. این واقعه طی حمله کومله به قرارگاه‌های حزب دمکرات در مرکز "آژوان" اتفاق افتاد.

حمله اول فروردین کومله بخشی از حملات چند ماهه‌ایست که آنها علیه حزب دمکرات انجام می‌دهند. این حملات همزمان با تشدید تشبثات رژیم جمهوری اسلامی برای نابودی جنبش ملی خلق کرد است.

صدیق فرخیان از زندانیان سیاسی در رژیم پیشین بوده و در گذشته شش حزب دمکرات به عنوان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی برگزیده شده بود. حزب دمکرات طی همین اطلاعیه اعلام داشت که در پی این واقعه "در سراسر کردستان حالت نظامی اعلام می‌گردد. همه پیشمرگان حزب باید در حال آماده باش کامل باشند... تا هرگونه یورش شائانه دشمنان جنبش کردستان رابه شدیدترین وجه سرکوب کنند."

با افزایش حد اقل سطح دستمزد کارگران تاپیستر از ۷۲ تومان مخالفت شد

به رغم مبارزات محنت کارگران در جهت افزایش دستمزد، تاحدی که لااقل بتواند تورم سرسام

آور سالهای اخیر را خنثی کند شورای عالی کار اعلام داشت که حداقل سطح دستمزد را در سطح ۷۲ تومان ثابت نگاه خواهد داشت این رقم اگر چه از میزان قبلی ۸۵ ریال بیشتر است و در نتیجه اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگری بدست آمد ولی بهیچ رو پاسخگوی نیازه‌های کارگران نیست و از میزانی که در برخی از واحدهای تولیدی کارگران در پی اعتصاب بدست آورده‌اند بسیار کمتر است.

میزان بهره در بانک‌های بدون بهره جمهوری اسلامی

دبیر خانه شورای عالی بانکهای اطلاعیه‌ای اعلام کرد که به سپرده‌های سرمایه‌گذاری شده کوتاه مدت در سال ۶۲ به میزان ۷/۲ درصد و به سپرده‌های بلند مدت ۹ درصد بهره تعلق می‌گیرد. از آن جهت که قانون عملیات بانکی بدون ربا استفاده از واژه بهره را ممنوع کرده است، به بهره‌های پرداختی عنوان سود سرمایه‌گذاری داده شده است.

تصویب لایحه اعزام دانشجو به خارج در مجلس

لایحه اعزام دانشجو به خارج از کشور در جلسه ۲۲ فروردین مجلس، به تصویب نمایندگان رسید. بر مبنای قانون جدید، این دانشجویان باید "معتقد به اسلام، نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی ولایت فقیه باشند، با تقوا بوده و واجبات را انجام دهند و از محرمات بپرهیزند و به احزاب و گروههای ملحد و محارب وابستگی نداشته باشند." بر اساس این قانون، تنها دارندگان مدارک لیسانس به بالا برای تحصیل به خارج از کشور اعزام خواهند شد و زنان فقط در معیت مسرانان می‌توانند برای ادامه تحصیل به خارج اعزام شوند.

خمینی: دانش آموزان را از دوران کودکی باید تحت نظر گرفت

فاضل وزیر علوم و آموزش عالی روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین با خمینی دیدار داشت. خمینی در این دیدار به دانش، دانشگاه و دانش آموختگان تاخت و گفت "همه دردهای ایران از دانشگاه شروع شده است. ریشه همه گرفتاری‌های ما از دانشگاه بود." خمینی همچنین بر تداوم "انقلاب فرهنگی" تاکید نمود و گفت به حرف مخالفین توجه نکنید، "هر کس هر چه می‌خواهد بگوید" وی در رابطه با "اصلاح دانشگاه" گفت برای این کار باید "دانش آموزان را از دوران کودکی و مدرسه زیر نظر گرفت."

لایحه تامین و توزیع کالا از تصویب مجلس گذشت

لایحه‌ای، با عنوان تامین و توزیع کالا در جلسه ۲۲ فروردین مجلس به تصویب رسید. در لایحه دخالت وزارت بازرگانی در توزیع کالاهای ضروری تنها در حد نقش ارگانی که کالاها را طبقه‌بندی می‌کند، میزان مصرف و ذخیره سازی کالاهای اساسی

یک حرفه پر رونق در جمهوری اسلامی

سرنخ غالب باندها و عناصر کلاهدار و کلاش، همانگونه که کتبه در جراید دولتی نیز بازنتاب می‌یابد، مستقیم و بی‌غیرمستقیم به ارگانهای قضایی و سرکوب رژیم وصل می‌شود. ازباند جنایتکار و کلاهدار "سیندرلا" و "ستاد روح الله" گرفته تا باندها و جریانهای کلاهداری از خانواده‌های زندانیان سیاسی. اوباشان رژیم درکنار تمام مصائب و فجایعی که حکومت "ولایت فقیه" در زمینه‌های گوناگون به بار آورده است، دکانهای متعددی برای سرکشی کردن مردم، به بهانه رتق و فتق مشکلات آنان می‌کشایند. امروز کلاشی و کلاهداری برای کسانی از عمال حکومت وعده‌ای از اوباشان جامعه، به یک حرفه پر رونق و به منبع پر درآمدی تبدیل شده است.



مسولین قضائی رژیم، به لحاظ گسترش بی‌بند و بار اخاذی از خانواده‌های زندانیان سیاسی و همچنین بخاطر تطهیر چهره سرکردگان رسوای حکومت مجبور شده‌اند، چند تن از این کلاشان را که با عنوان دلالان سرکرده‌های رژیم اقدام به اخاذی می‌کردند، معرفی کنند. بعنوان مثال، شخصی بنام مجتبی‌لاجوردی که خود را از خویشاوندان جلاله‌اوبین معرفی می‌کرد، با وعده آزادی فرزندان زندانی خانواده‌ها اقدام به اخاذی از آنها می‌نمود. ویا

را مشخص می‌سازد و در مشاورت با نماینده صنف مربوطه، دستاویزهای مسئول توزیع را به تناسب نوع کالا معین می‌کند محدود شده است. مطابق این قانون وزارت بازرگانی دخالتی در نحوه تامین و توزیع کالاهای عادی و کالاهای ضروری که با کمبود مواجه نباشند، ندارد و بنا بر توصیه سران بازار به گرفتن یک پز ارشادی اکتفا کند.

با وجود این قانون دیگر سران بازاری می‌توانند نسبت به برخی دخالت‌های "غیرقانونی" در امر توزیع، شکایت کرده و "زیاده‌رویهای" گذشته را مورد استیضاح قرار دهند.

در جمهوری اسلامی و احد توزین مواد مخدر "تن" است

اعتیاد به مواد مخدر به شکل بسیار حیرت انگیز و فاجعه باری در حال گسترش است. حتی آمار حکومتی در صفحه حوادث روزنامه‌ها نشان می‌دهد که قاچاق مواد مخدر چه دامنه سرسام آوری پیدا کرده است. ابعاد این بلای خانمانسوز به حدی است که در آمار مذکور دیگر کمتر از واحد کیلو سخن گفته می‌شود و همه چیز با تن اندازه گیری می‌شود. به عنوان نمونه تنها در روز ۱۸ فروردین در شهر زاهدان سخن از کشف ۱/۷ تن تریاک خالص رفت. چند روز پیش از آن نیز ۱/۴ تن تریاک کشف شده بود.

آمار کشفیات ژاندارمری زاهدان در سال گذشته از این قرار است:

کل مواد مخدر مکشوفه	۷/۷۲۲ تن
تریاک	۵/۸۷۰ تن
مروئین	۱/۱۱۳ تن
حشیش	۶۵۴ کیلو

از همین آمار با توجه به شیوه "مبارزه" رژیم با مواد مخدر و نقش ارگانهای حکومتی و ضد انقلابیون افغانی در امر قاچاق می‌توان پی برد که میزان مواد توزیع شده در میان مردم بویژه جوانان را باید با چه ارقام حیرت انگیزی سنجید.

مشاغل مجاز برای کارگران افغانی

جمهوری اسلامی که در جهت خواسته امپریالیسم مبنی بر کینه توزی لجام کشیده با دولت انقلابی جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان عمل می‌کند و ایران را به ماوای توطئه چینان علیه افغانستان تبدیل ساخته است، اخیرا دستور العملی در رابطه با اشتغال کارگران افغانی ساکن ایران که تحت تاثیر القایات امپریالیسم و عوامل داخلی و خارجی آن به صورت غیر قانونی از کشور خود خارج شده‌اند، ارائه کرده که جنبه دیگری از سو استفاده رژیم‌های از قبیل جمهوری اسلامی از این دسته از افغانی‌ها را نشان می‌دهد.

بر اساس این دستور العمل، کارگران افغانی فقط مجازند در ۱۲ شغل بسیار طاقت فرسا از قبیل کارگری در کوره‌پزخانه‌ها، کوره‌های گچ‌پزی، شیشه‌گری‌ها، سرامیک‌سازی‌ها و نظایر اینها به کار گمارده شوند. این کارگران باید دارای کارت اشتغال موقت یکساله باشند که برای صدور آن لازم است ۱۰۰۰ ریال به حساب خزانه داری کل پرداخت شود.

کلاهدار دیگری به نوشته روزنامه‌ها با نام مستعار محسن رضایی خانواده‌های زندانیان سیاسی را میچاپید و باز فرد دیگری بنام احمد صفری خود را از بستخان و منسوبین برخی از مقامات دادستانیها (اوبین، امورصفی و...) معرفی، و مطالب هنگفتی از خانواده‌های زندانیان سیاسی اخاذی می‌کرد. برخی از این کلاشان با تشکیل باند در تهران و شهرستانها اخاذی میکردند که به نوشته روزنامه‌ها شناسایی و دستگیر گردیدند.

جریان اخاذی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، مسئله چند ماه اخیر نیست. از زمانی که تعداد بی‌شماری از فرزندان خلق، به دست استبداد و ارتجاع ولایتی به بند کشیده شده‌اند، این جریان نیز، همای آن شکل گرفته و بطور روزافزون گسترش یافته است. این جریان چرکین نیز، مثل جریانات مشابه از درون نهادهای و ارگان‌های فاسد رژیم برخاسته است. سرکرده‌ها و مسولین بالای این ارگانها در مواردی بدون هیچگونه پوششی و تحت عناوینی مثل سهم امام به جیب، حساب ۱۰۰ و... مستقیما خود اقدام به اخاذی می‌نمایند. همین رسم و سنت "آقایان" را، گاهی کلاشانی که معمولا در درون و جنب نهادهای هستند، بکار می‌گیرند. اینها بطور انفرادی ویا در گروههای چند نفره کار می‌کنند. و بخش مهمی از جنایتها و تجاوزها و زردیها و کلاهداریها در سطح کشور بوسیله همین باندها انجام می‌گیرد. این دسته در جریان اخاذی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، سخت فعالند. آنها حتی در مواردی اشخاصی را صرفا بخاطر اخاذی دستگیر نموده ویا انتساب اتهامات سیاسی، آزادیشان را به پرداخت پول مشروط می‌کنند. همه این اقدامات کلاشانه از طرف این اوباشان بدون کوچکترین تترائی و با فراغ خاطر انجام می‌گیرد.

در شرایطی که تمام حقوق اجتماعی، قضایی و انسانی مردم ستم‌دیده میهمان با خشن‌ترین شیوه‌های قرون وسطایی پایمال می‌شود و در حالیکه دستاویزهای قضایی و سرکوب ارتجاع حاکم ماوای کلاهداران و کلاشان است، روند گسترش حیرت‌آور و بی‌سابقه این جریان هیچ تعجیبی بر نمی‌انگیزد. این پیامد ناگزیر حکومتی است که سرتاپای آن فاسد و عفونت بار شده است.

مجازات بخاطر مبارزه با رژیم پیشین

رژیم خیانت پیشه خمینی از زندانیان سیاسی رژیم شاه، بخاطر مبارزاتشان انتقام میگیرد. جلاله‌اوبین رژیم تا آنجا که توانسته‌اند این زندانیان را که با اوچگیری انقلاب از زندانها آزاد شده بودند، کشتند. گروه بسیاری را بار دیگر به همان زندانها و سلولهای سابق بازگرداندند و دسته‌ای را وادار به مهاجرت کردند. آن کسان معدود که هنوز باقی‌مانده‌اند، فاقد هرگونه امنیتی هستند. هر لحظه ممکن است به خانه ویا محل کار آنها بریزند و دستگیرشان کنند. اکیب‌های تعقیب و مراقبت مدام آنها را تحت کنترل دارند. علاوه بر اینها بافتن کار برایشان بسیار دشوار است. بسیاری اوقات صراحتا به آنان می‌گویند که بخاطر زندانی بودن در رژیم پیشین نمی‌توانند استخدام شوند. به کلیشه‌نامه‌ای که در تاریخ ۲۴ فروردین در روزنامه دولتی کیهان چاپ شده است توجه کنیم:

قوانین طاغوتی در ادارات رالغو گنبد

در حال حاضر کارمند یکی از کارخانجات دولتی هستم چندی پیش بدنبال درج آگهی استخدام کارشناس امور دانشجویی برای مجتمع آموزش عالی دهخدا تقاضای خود را ارسال داشت، چند روز بعد که برای اخذ کارت ورود به جلسه امتحان به این مجتمع مراجعه کرد مسئول توزیع کارت‌ها اعلام کرد چون شما دارای برگ معافیت از خدمت نیستید برگ معرومیت از خدمت دارید لذا سازمان امور اداری و استخدامی از پذیرش تقاضای شما خودداری کرده است، در اینجا قابل ذکر است اینجانب در سال ۱۳۵۳ به علت فعالیت‌های سیاسی توسط ساراگ دستگیر و مدت سه سال در زندان بودم و طبق قانون گذشته گسالتی که پیش از ۲ سال در زندان بودم از خدمت محروم و کارت معرومیت از خدمت به آنها داده خواهد شد. بر این اساس این کارت نیز برای اینجانب صادر شده و باین حساب آیا رواست که به جرم زندانی بودن در رژیم گذشته از خدمت در سازمانهای دولتی محروم باشم، از سازمان امور اداری و استخدامی انتظار می‌رود که پاسخ روشنی برای این ساله داشته باشند که آیا زندان دیده رژیم گذشته باید در نظام جمهوری اسلامی به نوعی دیگر محرومیت را تحمل کند. امضاء ح- ۱



"اول حق بهره‌وری، بعد کار"

* اراک - در کارخانه ماشین‌سازی اراک مثل دیگر کارخانه‌های کشور دریافت حق بهره‌وری از جمله مطالبات دائمی کارگران است. کارگران این کارخانه به طور پیگیر در جهت اخذ آن مبارزه می‌کنند. در همین راستا روی اکثر ماشین‌های کارخانه نوشته اند: اول حق بهره‌وری کار، بعد کار. در هراس از واکنش خشمگین کارگران، مسئولین جرات پاک کردن این شعار را ندارند.

کارگران ماشین‌سازی اراک علاوه بر این و علاوه بر دیگر مطالبات، از این که کارخانه را در خدمت جنگ قرار داده اند، ناراضی هستند. سپاه پاسداران کار مونتاز بولدورهای مورد نیاز جبهه برای سنگر کتی را به این کارخانه سپرده است. این بولدورها را از ژاپن وارد می‌کنند. در کارخانه پس از کمی کار و نصب آرم سپاه آن‌ها را روانه جبهه می‌کنند. از میان کارگران معترض، شش تن از کارگران واحد طرح و توسعه به خاطر عدم همکاری در ساخت بولدورها، از کار اخراج شدند که با اعتراض شدید دیگر کارگران مواجه شد. با حمایت جمعی کارگران، دو تن از اخراج شدگان به کار بازگشتند اما هنوز چهار نفر دیگر بلاتکلیف هستند.

در چنین شرایطی کارگران برای تولید و تکمیل دستگاه‌های تولید میچ گونه کوشی نشان نمی‌دهند. چندی است که در این کارخانه هر از چندگاه برخی از دستگاه‌ها و ماشین‌ها از کار می‌افتند. از جمله دستگاه اتوماتیک مربوط به خلا مکش دیگ بخار تخریب شده است.

خودکفایی!

* اراک - از جمله شعارهای عوام‌فریبانه‌ای که هنوز هم که گاه سردمداران حکومت تکرار می‌کنند، "خودکفایی" است. در حالی این شعارها هنوز هم شنیده می‌شود که رژیم چهار نعل در جهت تحکیم وابستگی صنایع کشور به انحصارات امپریالیستی پیش می‌رود. کارخانه هیکو در اراک نمونه‌ای از آن است.

در این کارخانه خط تولید خودکفایی که کار آن تولید غلطک بود، اخیراً مونتاز گردید و آغاز کرده است. قرار داد مربوطه متعلق به کمپانی FAUN از آلمان غربی است. مسئولین این قسمت سه نفر آلمانی، یک انگلیسی و یک ایرانی تبعه آلمان هستند. خط تولید لودر در اختیار کمپانی سوئدی VOLVO قرار دارد که دو نفر سوئدی سرپرست آن هستند.

در دو خط دیگر بیل مکانیکی و بولدور تولید می‌شود که در اختیار کارخانه CLBHEAR از آلمان فدرال است. مسئولین این بخش ۵ نفر آلمانی هستند. علاوه بر این افراد، هر از چندگاه نمایندگان از کمپانی‌های آلمانی و سوئدی برای بازرسی و نظارت به کارخانه می‌آیند.

معاملات دولتی خوان یغمای پیمانکاران

* اهواز - در مهر ماه سال ۶۱ ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده استان خوزستان جهت ساختمان یک باب انبار، قراردادی با یکی از پیمانکاران به نام سیاوش محمودی بست. هزینه کار ۸۵ میلیون ریال و زمان آن یک سال و نیم پیش‌بینی شده بود. این پیمانکار بدون شرکت در مناقصه و صرفاً به‌خاطر بند و بستی که با رئیس این ستاد - لایمجانیان - داشت، موفق به عقد این قرارداد شد. از طریق همین بند و بست، پیمانکار بسیار بیشتر از مبلغ قرارداد یعنی در حدود ۱۲۰ میلیون ریال پول نقد و مصالح ساختمانی از ستاد دریافت کرد. او به تعهد خود مبنی بر تحویل ساختمان تایک سال و نیم هیچ‌گاه عمل نکرد. اکنون که دو سال و نیم از امضای قرارداد می‌گذرد، هنوز ساختمان تحویل داده نشده است.

بخش قابل‌توجهی از مصالح دریافتی صرف دیگر کارهای این مقامه کاربزرگ از قبیل آپارتمان سازی در پشت خیابان سی‌متری شد و بخشی از آن نیز روانه بازار سیاه گردید - بنا به برآوردهایی که صورت گرفت از ۱۲۰ میلیون ریال دریافتی، کمتر از نصف آن صرف بنای انبار شد و بقیه را در بازار سیاه تبدیل به احسن کردند.

مصالح به کار گرفته شده در بنا و کیفیت کار به گونه‌ای بود که در آذرماه ۶۲ پس از این که با نسبتاً تندی وزید، قسمتی از سقف انبار فرو ریخت و در اصلی آن از جا کنده شد.

دزدی چنان آشکار و بی‌پرده صورت گرفته بود که اعتراض چند تن از بازرسان را برانگیخت آن‌ها تصمیم به طرح آن در دادگاه گرفتند. مسئولین ستاد که مخالف این کار بودند، به نصیحت پرداختند که دست از جدل باید برداشت و مسایل را به طریق اسلامی و برادرانه حل کرد. اما بالاخره در دادگاه طرح دعوی شد. اما در آنجا هم بازرسان ابتدا از پذیرش شکایت خودداری نمود و مدعی گردید که چون "مساله صنفی است به ما مربوط نمی‌شود." بازرسان هم چنین می‌گفت: این پرونده سبک است از آن بگذرید، ما پرونده‌های چند صد میلیونی داریم.

اگر چه دادگاه اهواز بالاخره شکایت را پذیرفت ولی هیچ‌گاه آن را پی نگیرد. اکنون که چند ماه از زمان طرح شکایت می‌گذرد، حتی یک سؤال و جواب ساده هم از این پیمانکار، این دزد سرگردنه نکرده‌اند.

* اهواز - در سال ۶۱ ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده خوزستان بابت خرید قیر سفت، مبلغ ۱۰۴ میلیون ریال به حساب پیمانکاری به نام خسروشاهی واریز می‌کنند.

چندی پس از آن پیمانکار که قیر را از پالایشگاه‌ها تحویل گرفته بود به ستاد تحویل داد. اما کمی که گذشت در پی گرم شدن هوا معلوم شد که قیر تحویلی برخلاف قرارداد از نوع نرم است از این رو ذوب شده و در محیط انبار به راه افتاد. مسئولین که با پیمانکار زود بند داشتند به جای پیگیری قضایا دستور می‌دهند قیرها را در همان محل انبارها دفن کنند. لذا با صرف هزینه بسیار با لودر زمین انبار را کنده و کارتن‌های قیر را در آن می‌ریزند.

بنا به برآوردهای موجود بهای قیرهای تحویل داده شده فقط ۴۲ میلیون ریال است و پیمانکار علاوه بر این که طبق مفاد قرارداد عمل نکرده، بیش از ۶۰ میلیون ریال اضافه دریافت کرده است. با این که گزارش‌های این دزدی آشکار تنظیم گردیده بود مسئولین ستاد دستور دادند از پیگیری آن خودداری شود و پرونده مختومه تلقی گردید.

در شرایطی بودجه ستاد را این گونه به تاراج می‌دهند که مسئولین این ارگان به بهانه کسر بودجه بسیاری از کارکنان را اخراج می‌کنند.

در شب عید، آب را کوپنی کردند

* تهران - رژیم جمهوری اسلامی که از سن ماه نفرت دارد، با هزار ترفند کوشید از برگزاری مراسم نوروز جلوگیری کند. علاوه بر این که در آستانه نوروز با تشدید جنگ مردم را به عزای نشانده، همه وسایل دیگر را نیز برای خرابکاری در برپایی این مراسم به کار گرفتند.

در تهران سه ساعت مانده به تحویل سال، به دستور مقامات آب بخش وسیعی از تهران را قطع کردند. قطع نابه هنگام آب درست در هفتامی که مردم مشغول پخت و پز، نظافت و... بودند، مشکلات بسیاری به بار آورد. مردم برای تامین آب با سط‌های خالی در خیابان‌ها به راه افتادند. کمی پس از قطع آب، رادیو اعلام داشت که کوپن شماره ۱۲ برای دریافت ۲۰ لیتر آب اختصاص یافته است و سپس تانکرهای شهرداری به توزیع آب در محلات تهران پرداختند.

صف درازی از مردم با گالن و سطل در دست در جلو تانکرها تشکیل شد و قطع آب تا ۲۴ ساعت ادامه یافت.

برای تکمیل مشکلات مردم در لحظه آغاز سال نو، کل برق شهر را هم قطع کردند و همه وسایل برقی را از کار انداختند. امسال در چنین فضایی مردم سال نو را آغاز نکردند.

توزیع قلک برای جمع آوری "کمک"

* شازند - در ادامه تبلیغات جنگ افروزان و صحنه‌سازی‌های نفرت‌انگیز سرکردگان رژیم، در شازند اراک در بهمن ماه تعداد بسیار زیادی قلک میان دانش‌آموزان و معلمان و گروهی از اهالی روستاها توزیع کردند. مسئولین از دانش‌آموزان و دیگران خواستار شدند تا "کمک‌های مالی" خود را به جبهه، در این قلک‌ها بریزند.

مردم این اقدام را به مسخره گرفتند و همه قلک‌ها را که سفالی بود به زمین زده و شکستند. در روستاهای قلعه، یازنه، سرسختی علیا و حجره حتی یک قلک هم سالم باقی نماند. صحنه گردان این نمایش مبتذل "جهد سازندگی" بود.

مردم، پاسداران را فراری دادند

* ساوه - در میدان اصلی شهر ساوه پاسداران در پی مشاجره با یکی از پزشکان شهر با او به زد و خورد پرداختند. در این درگیری این پزشک و همسرش مصروب شدند. مردم با دیدن این صحنه به مقابله با پاسدارها برخاستند و آنان را وادار به گریز از محل نمودند.

تایبده باد مشعل رزم فدائیان! ☆☆☆☆☆☆☆☆☆

ما ادامه کاری خود را حفظ کرده و بر سطح و گسترده‌گی تبلیغاتمان بیفزائیم.

* گزارش یکی دیگر از بخشهای تهران:
" میزان تولید یک ماهه: مجموع تولید: ۲۰۰۰ برگ- اعلامیه و تراکت در رابطه با جنگ، تورم و گرانی، آزادی زندانیان (مجموعاً ۵۰۰ عدد تراکت)، سالگرد تولد سازمان و ۲۲ بهمن (۱۰۰ عدد)، پیام پلنوم (۵۰۰ عدد)، در ضمن علاوه بر تولیدات فوق، تعداد ۴۰۰ عدد برچسب و حدود ۲۰۰ شعار، بر روی دیوار و کیوسک و اتوبوس برده شد.

پخش از سه طریق صورت گرفت: ۱- چسباندن روی دیوار و محل‌های مناسب ۲- پست نمودن برای کارگران ۳- انداختن در خانه‌ها و در اتوبوس و محل‌های مناسب.

۵۰۰ عدد اعلامیه و تراکتها در اتوبوسها و مینی‌بوس‌های مسیرهای زیر پخش شد.
بهارستان- جمهوری، انقلاب- باالقانی، انقلاب- امام حسین، در مسیرهای خیابانهای سلسبیل، سپه‌رخی، هاشمی، آریانا، جمهوری، باغ‌سپه‌سار، بهارستان، سعدی، انقلاب، دروازه دولت، استانبول و فردوسی نیز اعلامیه پخش گردید...

... در باغ سپه‌سار که یکی از مراکز کارگری است چند عدد از پیام پلنوم را به صورت تایپ شده در چند نقطه به دیوار چسباندند. تاثیر این عمل در بین کارگران بسیار مثبت بوده و خیلی‌ها در مورد مسائل مطرح شده در آن بحث کرده‌اند.
... از طریق پست برای یکی از کارگران مذهبی پیام پلنوم و چند اعلامیه دیگر فرستاده شد. این کارکنان اوراق مربوطه را در جیب خود گذاشته و به کارگری که می‌رسید نشان می‌داد. وی شدیداً تحت تاثیر قرار گرفته و از مطالب آن دفاع می‌کرد.

* "... در تاریخ ۲۲ اسفند دهه تراکت سازمان در مورد فرارسیدن سال نو در میدان شهدا پخش شد. خیلی‌ها تراکتها را به سرعت برداشته و به شکل جالبی در جیب خود می‌گذاشتند و از محل دور می‌شدند."

* در رابطه با تشدید جنگ و حمله به مناطق مسکونی اعلامیه‌های متعددی از سوی فعالین فدایی انتشار یافته است. متن یکی از این اعلامیه‌ها چنین است:

جنگ و کشتار و ویرانی

ارمنان رژیم‌های ضد مردمی صدام و خمینی

هم میهنان!

رژیم ضد مردمی حاکم، امسال هم بوی متعفن جنگ را به جای عطر بهاری، و خون مردم زحمتکش میهن را به جای شکوفه‌های سپید نوروزی نشانده است. رژیم در حالی بر آتش جانسوز جنگ، همچنان می‌دمد و همراه با رژیم ضد مردمی صدام، مردم ایران و عراق را در قربانگاه جنگ نابود میکند که مردم دو کشور، باتک رسی اعتراض خود را بیش از پیش علیه جنگ بلند کرده‌اند.

پتیه در صفحه ۴)

ارتجاع به تب و تاب افتاده است. حرکت‌های اعتراضی اخیر مردم بویژه تظاهرات گسترده ۲۱ فروردین در جنوب شهر تهران، ارتجاع را واداشته است با هراس بر تعداد کشته‌های مخفی و علنی خود در سطح شهرها و برشتاب پیگرد و دستگیری نیروهای انقلابی بیفزاید. رژیم خود می‌داند تاکنون تا چه حد در مورد سرکوبی کامل نیروهای انقلابی دروغ بهم بافته است و حال به خوبی آگاه است که با تشدید مبارزات خلق، هر روز زمینه‌های بیشتری برای تشدید مبارزات نیروهای پیشاهنگ فراهم می‌شود.

اعضا و هواداران دلاور سازمان ما، هنگام با رزم خلق دایره تبلیغات خود را وسعت بخشیده‌اند. وسعت کار رفقای ما ارگانه‌های امنیتی رژیم را به حیرت واداشته است. اظهارات برخی مسئولین رژیم در دو هفته گذشته در رابطه با فعالیت‌های تبلیغی سازمان ما بویژه در زمینه بردن هر چه وسیع‌تر شعار صلح به میان مردم، به خوبی این موضوع را نشان میدهد.

تاکنون گوشه‌هایی از گزارش‌های تبلیغی اعضا و هواداران سازمان در داخل کشور را در نشریه "اکثريت" بازتاب داده‌ایم. در زیر توجه شما را به چند بریده گزارش دیگر در این زمینه جلب میکنیم:

* بندرانزلی:

"در روز ۲۲ بهمن هواداران سازمان دهها تراکت در این شهر نصب و پخش کردند. از جمله فعالیت رفقا این بود که دو تراکت بزرگ را در مسیر راهپیمایان نصب کردند که بسیار خشم سپاه را برانگیخت."

* کیشهر:

"به مناسبت ۲۲ بهمن، رفقا تراکت‌هایی در مورد ۱۹ بهمن و ۲۲ بهمن در این شهرک پخش کردند. کسانی که تراکتها را دیده بودند از این موضوع ابراز خوشحالی می‌کردند."

* رودسر:

"در سالگرد انقلاب، تعداد کثیری اعلامیه و تراکت در رودسر پخش شد و تعدادی نیز از طریق پست، توزیع گردید. بازتاب این فعالیت تبلیغاتی، چشمگیر بود."

* بخشی از گزارش تبلیغی یکی از بخشهای تهران:

"گزارش تبلیغی ۲۲ بهمن- در روزهای منتهی به سالگرد انقلاب رفقا حدود ۲۱ الی ۲۲ هزار تراکت و اعلامیه در رابطه با ۱۹ بهمن و ۲۲ بهمن و نیز پیام پلنوم به مردم ایران را پخش کردند. تعداد کثیری از تراکتها و اعلامیه‌ها بر روی دیوار نصب گردید.

در طول این مدت کار شعار نویسی نیز با شدت دنبال شد. اکنون کمتر کیوسک تلفنی در مرکز شهر تهران دیده می‌شود که یا شعار تازه‌ای از مادر آن به چشم نخورد و یا دو ظرف آنرا سیاه نکرده باشند. برخی شعار نویسی‌ها خیلی موثر بوده است از جمله شعار نویسی در ترمینال اتوبوس میدان توپخانه.

اخیراً رژیم خیلی روی پاک کردن شعارها تیر و گذاشت. جالب اینجاست که خیلی شعارها از زیر رنگ هم دیده می‌شود از جمله شعار چهارراه مصدق که با گل سازمان تزیین شده بود همه را به حیرت انداخت.

در پخش تراکت و اعلامیه علاوه بر کوچه‌ها و خیابانها، در مراکز تجمع عمومی نیز رفقا فعال بوده‌اند: اتوبوسها، حمام‌ها، سینماها، مطب‌ها، درمانگاهها و بیمارستانها و مدارس از جاهایی هستند که برای پخش مناسبند. در زمینه پخش در مراکز پر جمعیت رفقا از ابتکارات جالبی استفاده می‌کنند.

روز	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	۳۱	مجموع
تراکت	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
اعلامیه	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
شعار	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
مجموع	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰

سال نو، سال اتحاد و گسترش مبارزه علیه
ارتجاع حاکم و امپریالیسم، مبارک باد!
هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

تقریب فوق از طرف واحدی از هواداران سازمان
تهیه شده و در سطح وسیعی در تهران پخش شد.

گزارشی از هرات، هفت سال پس از انقلاب ثور

هرات حقیقتاً مروراید افغانستان است که حصار سبز رنگ خیابانها و باغها آن را در میان گرفته است. در میان یکی از این باغها، استانداری هرات واقع است که در آن، میهمانانی که از کابل آمده‌اند پذیرایی می‌شوند. عبدالمجید سر بلند، معاون رئیس شورای وزیران جمهوری دمکراتیک افغانستان، به آنجا آمده بود تا ایستگاه تلویزیونی هرات را افتتاح نماید. گلداد، یکی دیگر از معاونین نخست وزیر، میخواست ببیند اصلاحات ارضی و آبی در این استان چگونه پیش می‌رود. همراهان او عبارت بودند از وزیر کشاورزی و وزیر آبرسانی. سفر من به هرات نیز هدف معینی داشت: می‌خواستم به دیدن دوستم توران رسول که هنگام اقامت قبلی ام در هرات با او آشنا شده بودم، بروم.

دو "سردسته"

توران اسم نیست، بلکه معنی "سردسته" را می‌دهند. اما هر کس توران را بشناسد، او را دیگر همیشه توران به یاد می‌آورد. این واژه به جزئی از اسم او تبدیل شده است.

در بهار ۱۳۶۲ در کابل گردهمایی بزرگی از سرکردگان سابق "مجاهدین" که به قدرت مردمی روی آورده‌اند تشکیل شده بود. هر شرکت کننده‌ای، تشریح می‌کرد که چرا علیه انقلاب موضع گرفته، چه اشتباهاتی مرتکب شده و چرا تصمیم گرفته است در خدمت جمهوری دمکراتیک قرار داشته باشد. توران رسول اولین کسی بود که در تالار جبهه ملی پدر وطن، به گمراهی خود در گذشته اذعان نمود.

توران در سال ۱۳۵۸ در سن سی سالگی بعنوان بخشدار و بعدها بعنوان رئیس یک قوم صدهزار نفره اطراف هرات انتخاب گردیده بود. "حزب اسلامی افغانستان"، که در خارج مستقر شده بود، علاقه مفرطی به رئیس جوان ایل نشان می‌داد. گلبدین حکمت یار، رئیس این گروه مهاجر، بارها نمایندگانی به محل فرستاد و بعداً پول، اسلحه و نثریات تحریک آمیز نیز به آن اضافه شد. به افراد قبیله می‌خواستند بزور بقبولانند که "اسلام در خطر است!" "رئیس کفار را سرنوین کنید!" "از لکه دار شدن عفت زاننان بدست مارکسیستها جلوگیری کنید!" بدین ترتیب، دهقانان ناآگاه و بی‌سواد که دهها سال علیه هر حکومتی چنگیده بودند، سلاح در دست گرفتند. رهبران چنین گروههایی عموماً توران نام دارند. رهبران ضدانقلاب افغانی که به پاکستان و ایران پناه برده بودند همچنان با ایل رابطه داشتند. صدها تن از مردان ناحیه در اردوگاههای خارج از کشور برای انجام عملیات خرابکاری آموزش دیدند. به پیشنهاد حکمت یار، توران رسول مسئول حزب اسلامی افغانستان در استان هرات گردید.

رسول در گردهمایی یاد شده در کابل گفت: "ما با سلاح وبا گفتار علیه جمهوری می‌جنگیدیم و هر روز در انتظار سقوط آن بودیم. اما می‌دیدیم که انقلاب بر دشواریهای بزرگ چیره می‌شود و هر روز در میان مردم پشتیبانی گسترده‌تری می‌یابد. من پی‌بردم که ما در سمت نادرست مبارزه قرار داریم. وقتی به

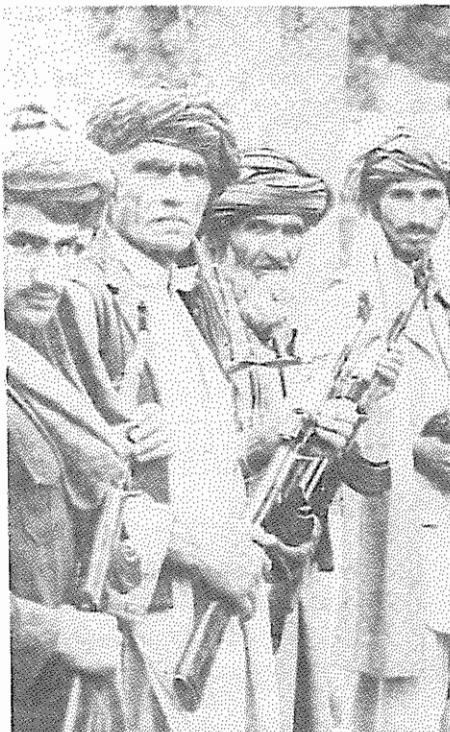
ابتکار ببرک کارمل عفو همه کسانی که داوطلبانه اسلحه را بزمین بگذارند اعلام شد، برای ما راه درست هموار گردید."

تصمیم پیوستن به دولت در یک نشست ریش سفیدان ایل گرفته شد. اکثر آنها با این امر موافق بودند و از جنگیدن بدون آگاهی به علل آن خسته شده بودند. آنها می‌خواستند بذر بپاشند، دانداری کنند و کودکان خود را پرورش دهند. اما صداهای مخالف هم بود که می‌گفتند: "عفو عمومی فریب است، مقامات همگی یکجورند" و یا: "تفتک نان آور بهتری از زمین است". مادر رسول سرخود را بزمین می‌زد، چرا که فکر می‌کرد اگر پسرش به هرات رفته و خود را تسلیم کند، بستگانش او را دیگر مرکز نخواهند دید.

اما جمهوری حرف و عملش یکی است. افراد ایل امکان یافتند تا در آرامش روی مزارعشان کار کنند. به آنها اجازه دادند تا سلاحهایشان را برای دفاع از خود در برابر "مجاهدین" نگه دارند. چهارصد تن از این افراد دسته‌ای برای دفاع از انقلاب ایجاد کردند. طبیعی بود که رسول به ریاست این دسته تعیین شود.

در جریان این چرخش سرنوشت ساز بود که من با رسول آشنا شدم. اکنون بار دیگر برای صرف چایی سبز معطر در دفتر خاد (خدمات امنیت دولتی) در هرات نشسته‌ایم. دسته رسول مرتباً عملیات اکتشافی خطرناک در پشت جبهه انجام می‌دهد تا پناهگاهها و انبارهای اسلحه اشرار را پیدا کند. در همان اتاقی که رسول خود را تسلیم کرده، اکنون خود وی رفت و آمد میکند.

اشرار که قسم خورده بودند از رسول انتقام بگیرند، همسر وی را ربوده و دوتن از معاونینش را به



مدافعین انقلاب ثور

دام انداخته و وحشیانه کشتند. پانزده تن از افراد دسته در زد و خوردها به قتل رسیده‌اند. او میگوید: "ما اخیراً در نزدیکی به پنجاه عملیات شرکت کرده‌ایم، و تلفیه ما حفظ آرامش و نظم در منطقه‌ای است که شامل دهها روستای می‌شود."

معاون رئیس "خاد" در استان می‌گوید: "آری، باند های توران اسماعیل دیگر جرات نمی‌کنند به این نواحی بیایند."

نام توران اسماعیل را قبلاً شنیده بودم. یک سردهسته دیگر، یک سرنوشت دیگر، اما سرنوشتی به کلی متفاوت.

اسماعیل خان - نام کامل او چنین است - نظامی حرفه‌ای است. وی سی‌هشت سال دارد و اهل استان هرات است. وی پس از اتمام دوره آموزش نظامی در سال ۱۳۵۸ با درجه سروانی به فرماندهی یک گروهان از لشکر هرات گمارده شد. اسماعیل با انقلاب خصمانه برخورد کرد و به سرعت به دشمنان آن پیوست. او اینک شش سال است که علیه مردم می‌جنگد.

اسماعیل خان عضو یک حزب ضد انقلابی دیگر بنام "جمعیت اسلامی افغانستان" و سردهسته همه باند های آن در استان هرات است. برهان الدین ربانی، رهبر این سازمان وابسته به پاکستان، او را به "ریاست امارت هرات" منصوب کرده است. اسماعیل خشن و متعصب است و همواره چهل نفر بعنوان محافظ او را همراهی می‌کنند و وی در هیچ دهی بیش از یک شب نمی‌ماند. افراد او در جاده‌ها مین می‌گذارند، پل‌ها را منفجر می‌کنند، به ادارات دولتی و پایگاههای پاسداران انقلاب حمله می‌کنند و اعضای فعال حزب دمکراتیک خلق را تعقیب می‌نمایند.

معاون اداره "خاد" می‌گوید: "توران رسول بارها با این اشرار به نبرد پرداخته است. در جریان این نبردها، اسماعیل تلفات سختی متحمل شده می‌گویند او دیگر تحمل شنیدن اسم رسول را ندارد." رسول می‌افزاید: "اما ما هنوز نباید به خود مغرور شویم. تا وقتی اسماعیل خان به سر جای خود نشاندۀ نشود، در این استان روی صلح را نخواهیم دید."

چندی پیش شایع شد که توران اسماعیل از ایران برگشته است. وی در آنجا در میان فراریان به بسیج نیروی تقویتی برای باند های خود، خرید اسلحه و تلاش برای دریافت کمک مالی مشغول بود. با اینکه وضع اسماعیل وخیم شده، اما او در صدد به زمین گذاشتن اسلحه نیست.

توران رسول هم برای اولین بار به خارج سفر کرد. او بعنوان عضو هیات رسمی جمهوری دمکراتیک افغانستان در کنفرانس جهانی "برای صلح و زندگی، علیه جنگ هسته‌ای" در پراگ شرکت جست. هنگام بازگشت از مسکو، لنینگراد و کیف دیدن کرد.

او به من گفت: "من دنیای جدیدی را دیده و بهتر فهمیده‌ام که برای چه مبارزه می‌کنم. در این مبارزه، همه نیروی خود را بکار خواهم گرفت. اگر شهید شوم، بخاطر مردم پذیرای مرگ می‌گردم."

زمین بیدار می‌شود

درفروغ شعله ای که انقلاب نور برافروخت

افغانستان به پیش می رود

۱- کشاورزی اصلاحات دیمکراتیک ارضی و آبی:

بلافاصله پی از پیروزی انقلاب، فرمان شماره ۸ شورای انقلابی آغاز اصلاحات ارضی را اعلام کرد.

در مرحله اول اصلاحات ارضی، ۶۶۵ هزار هکتار زمین در میان ۲۹۶ هزار خانوار دهقانی بی زمین و کم زمین تقسیم شد. این زمین ها به مدت هزار زمین دار بزرگ که هر کدام بیش از ۴۰ هکتار زمین داشتند، و ۲۸ هزار زمین دار دیگر که از ۶/۱ تا ۴۰ هکتار زمین صاحب بودند، تعلق داشت. علاوه بر این ۷۴ هزار هکتار زمین درجه سه و چهار به مالکیت دولت درآمد. در مجموع مرحله اول اصلاحات ارضی شامل ۷۲۹/۳ هزار هکتار زمین شد.

ستاپایان سال ۱۳۶۲، علاوه بر زمین های تقسیم شده در مرحله اول، ۷۹/۴ هزار هکتار زمین درجه یک دیگر تقسیم گردید. در سال ۱۳۶۲، ۲۰ هزار خانوار دیگر زمین دریافت داشتند.

سوزارت جدید آبیاری در ۲۶ استان از ۲۹ استان افغانستان ادارات خود را ایجاد کرد. این ادارات وظایف خود را در مورد بهبود شبکه های موجود آبیاری، کاهش میزان به هدر رفتن آب و گسترش شبکه آبرسانی انجام می دهند.

در سال ۱۳۶۲، تولید کشاورزی در مقایسه با سال ۱۳۵۷، ۷/۸ درصد افزایش یافت.

۲- صنایع، معادن و سایر رشته های اقتصاد تولید صنعتی افغانستان در سال ۱۳۶۲، ۹/۱ درصد بیش از سال ۱۳۶۱ بود.

تولید گاز کشور ملی همین سال ۴/۵ درصد افزایش یافت. تولید سیمان ۴۷ درصد، منسوجات پنبه ای ۶/۶ درصد، منسوجات پشی ۲۲/۱ درصد و پخت نان ۲/۳ درصد اضافه شد.

طبق برنامه ۱۳۶۲، سهم بخش دولتی و تعاونی در تولید صنعتی از ۴۲/۴ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۴۵/۸ درصد افزایش یافت. سهم صنایع سنتین دولتی در کل تولید صنعتی سنتین از ۷۷/۱ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۷۹/۳ درصد در سال ۱۳۶۳ رسید.

اصلاحات ارضی و آبی در استان هرات وارد سومین روز خود شده است. نماینده کمیته مرکزی حزب در منطقه شمال غربی (شامل استانهای هرات، بادغیس و غور)، فرماندار هرات و مسئولین ادارات کشاورزی و احیای اراضی استان به گروه درباره فعالیت های خود گزارش می دهند. من هم اجازه می یابم در این ملاقات شرکت کنم.

هرات در مجاورت ایران واقع شده و بایک میلیون جمعیت، از بزرگترین استان های کشور است. این استان از ۱۲ بخش، سه ناحیه و ۱۶۰ روستای بزرگ و کوچک تشکیل شده است. در شهر هرات، یک کارخانه نساجی، یک فرش بافی، چند کارگاه، یک کارخانه سیمان و یک نیروگاه وجود دارد. اما استان هرات دریایی از واحدهای کشاورزی است.

پیش از انقلاب، یک سوم دهقانان بی زمین

سیرنامه ۱۳۶۲، افزایش استخراج گاز به میزان ۷۶/۵ درصد را پیش بینی نمود.

تولید مس در سال ۱۳۶۲ در قیاس با سال ۱۳۶۱ دو برابر شد.

۳- پیشرفت اجتماعی

حق آموزش برای همه در قوانین جمهوری دیمکراتیک افغانستان قید گردیده و دولت موظف به تامین امکانات برای آن شد.

پس از انقلاب، ۸۰۰ مدرسه جدید در سطوح مختلف ایجاد شد.

شمار دانش آموزان در سال ۱۳۶۲ به بیش از ۴۵۲ هزار نفر رسید که ۱۱ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافته است.

در سال ۱۳۶۲، ده مرکز درمانی و چهار کلینیک مادر و کودک جدید تنها در کابل گشایش یافت. در مجموع ۶۲۰ هزار کودک تحت پوشش مراکز درمانی قرار گرفتند. این رقم نسبت به سال قبل ۱۹ درصد افزایش داشت.

۴- بهبود سطح زندگی

در آغاز سال ۱۳۶۰، حقوق و دستمزد همه کارگران و کارکنان بخش دولتی ۶۲/۶ درصد افزایش یافت.

در بهار سال ۱۳۶۲، بر حقوق و دستمزدها یک بار دیگر، این بار به میزان ۱۸ درصد اضافه شد. برای سطوح پایین دستمزدها رقم افزایش به ۳۴ درصد رسید.

۵- سیاست های اجتماعی

شمار سازمان های محلی جبهه ملی پدرولن از ۴۰۸ در آغاز سال ۱۳۶۲ به ۶۰۰ سازمان در پایان سال ۱۳۶۲ رسید.

در پایان سال ۱۳۶۲، سندیکاهای افغانستان حدود ۲۰۰ هزار عضو شامل می شدند.

در تظاهرات گسترده علیه مداخله آمریکا در امور افغانستان بیش از ۲۰ هزار تن از مردم کابل شرکت کردند.

۶۰ روحانی از سراسر افغانستان طی یک گردهمایی در سال گذشته در کابل پشتیبانی خود را از انقلاب اعلام داشتند.

بودند و نزد کشاورزان بزرگ و خانها کار می کردند. صاحبان زمینهای کوچک هم وضعشان بهتر نبود. پدر، کود و دام کم بود. برای اینکه این چیزها را بگیرند، دهقانان مجبور بودند از زمیندارهای بزرگ وام بگیرند، وامی که بعد از باز پرداخت عاجز می شدند.

انقلاب به محرومیت و گرسنگی دهقانان پایان داد. املاک فئودالها بین دهقانان بی زمین و کوچ تشین ها تقسیم و قروض میلیونها خانوار دهقانی نزد نزول خواران ملغی شد. دولت هر سال بر کمک خود به دهقانان می افزاید و می گوشت مسائل آنان را بطور همه جانبه حل کند.

مسلم است که برای حل مشکلات، صدور فرمان درباره زمین و آب کفایت نمی کند. مسئله آن است که این دشواریها باید با دقت، بطور سیستماتیک و برنامه ریزی شده حل شود.

شهید قهرمان

شعری از:

عبد الرزاق "صاعد" شاعر افغانی

آنروز آن شهید

یک لحظه پیش ز آنکه فتنه روی خاک و خون

می خواند این سرود:

پیکار ما به خاطر ایجاد زندگیست

ایجاد زندگی نوین بهر توده ها

بهر نجات خلقی که دیر سالها

در زیر بار منبت ارباب اقتدار

در این شکنجه گاه

این نظم و حشیانه مطرود دوزخی

در قید بندگیست.

* * *

پیکار ما به ضد دسته جلاد اجتماع

غولان ارتجاع

این دشمنان عظمت و خوشبختی وطن

این خیل اهرمن

پیکار بر حق است.

امروز آن شهید

از گور پر صلابت جاوید خویشتن

آواز میدهد:

ای خلق پاکباز!

دشمن زرتکی و حیل گز است و بهانه ساز

دبتر مکن درتکی

بر پای دار پرچم خونین رستخیز

چس ترس بس هراس

بر این نظام کهنه اهریمنی بتاز

رزمندگان معرکه گردان پرتوان!

* * *

بادی. برای تازه کردن سوگند هم می

بامن به یک زبان

خوانید این سرود:

باد از مادارود

پرشور جاودان

بر روح پرفروغ شهیدان قهرمان

من در جلسه، مذاکرات را دنبال کرده و به مسئله ای که در وهله اول توجه میزبانان و میهمانان را به خود جلب می کند، پی می برم. اصلاحات ارضی باید در محل با بیشترین بازده و تناسب انجام گیرد. باید از فرمالیسم (شکل گرایی) اجتناب کرد. وقتی امنیت پایدار برای زراعت ایجاد شده ممکن است در پاییز مالک قبلی بایک باند بیاید و محصول را از دهقانان بگیرد و حتی آنان را بکشد. چنین چیزی در روستاهای هرات اتفاق افتاده است.

یک نمونه دیگر از سهل انگاری، بخشداری گزارش میدهد که زمینهای فئودال بین خانوارهای دهقانی تقسیم شده است و هیچکس طبق قانون بیش از شش هکتار دریافت نکرده است. اما در پاییز معلوم میشود که تقریباً کل محصول را مالک قبلی انبار کرده، زیرا زمینها بین اقوام دور و نزدیک اوتقسیم شده بود.

بقیه در صفحه ۱۳

رساتر باد فریاد اعتراض جهانی علیه ترور و اختناق، علیه شکنجه و اعدام در ایران

پشتیبانی از مبارزات کارگران ایران

مبارزات کارگران ایران در راه کسب حقوق سیاسی و صنفی و بر ضد سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی رژیم حاکم بر ایران موج همبستگی بین المللی کارگران و نیروهای مترقی را به دنبال داشته است. سازمانها، سندیکاها و اتحادیه های متعددی کماکان از کارگران و کارکنان دلیبر مجتمع ذوب آهن اصفهان اعلام حمایت کرده و نسبت به نتایج این اعتصاب و سرنوشت دستبردگان پی جویی می نمایند. از جمله آنها کمیته برگزاری جشن اول ماه مه در کانادا است که طی نامه ای به فعالین فدائی در این کشور، آخرین اطلاعات در مورد وضعیت کارگران و سرنوشت کارگران زندانی را درخواست کرده است.

کمیته برگزاری جشن اول ماه مه در کانادا درخواست نامه ای برای پانزده سازمان و اتحادیه کارگری کانادا ارسال داشته و در آن هاضم ارائه اطلاعاتی در مورد اعتصاب ذوب آهن اصفهان از آن ها تقاضای کمک و پشتیبانی از کارگران ایران را نموده است در بخشی از این درخواست نامه آمده است:

"... ما اطلاعات ضمیمه را به سازمانهای مختلف کارگری و انسان دوست می فرستیم به امید اینکه مردم کانادا به کمک کارگران ایران بشتابند. در ضمن راههایی که می توان در کانادا به این امر کمک کرد در بولتن اطلاعاتی آمده است.

لطفایک نسخه از پیام اعتراضی خود را برای ما بفرستید. بدین وسیله ما مطمئن خواهیم شد که دولت ایران نمی تواند بسادگی از اینگونه مسائل بگذرد". کمیته برگزاری جشن اول ماه مه نامه های اعتراضی متعددی نیز برای مقامات رژیم ایران منجمله خمینی، رفسنجانی و وزیر دادگستری ارسال داشته است در بخشی از یکی از این نامه ها آمده است:

"... آگاه باشید که چشم های طبقه کارگر جهانی مواظب دولت شماس و اجازه نخواهد داد که دولت شما ویا هر دولت دیگری، برادران و خواهران کارگر ما را مورد سرکوب قرار دهد."

ابر از انزجار جهانی از

کشتار انقلابیون فدایی

* روزنامه ریزو سیاستس ارگان حزب کمونیست یونان در شماره ۹ مارس خود خبر به شهادت رساندن رفیق قربانعلی مودنی پور را اعلام داشته است. نشریه پس از ذکر شکنجه های اعمال شده در شکنجه گاه های جمهوری اسلامی به سوابق انقلابی رفیق مودنی پور در دوران رژیم شاه اشاره کرده است. ارگان حزب کمونیست یونان سپس به نقل بخشی از اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) در مورد شهادت رفیق مودنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان پرداخته و نوشته است:

قتل ناجوانمردانه مودنی پور نشان ناتوانی رژیم ارتجاعی خمینی است. پایه های لرزان حکومت

او نمی تواند با ترور و وحشت، دستگیری، شکنجه، اعدام ها و قتلها استوار بمانند. تاریخ و تجربه گذشته رژیم خوانخواش این را ثابت کرده است.

* روزنامه فورورس ارگان حزب کارسوییس در شماره ۲۱ مارس خود مقاله ای تحت عنوان "قربانعلی مودنی پور، یک مبارز ضد دیکتاتوری مشهور ایرانی، توسط دستگاه پلیس جمهوری اسلامی به قتل رسیده است." به چاپ رسانده است. در این مقاله ابتدا به سوابق انقلابی رفیق قربانعلی مودنی پور در زمان رژیم شاه ذکر شده و آمده است:

"پس از دستگیری در سال ۱۹۷۵ وی در زندان اوین توسط ساواک شاه به شدت شکنجه گردید. ساواک برای درهم شکستن مقاومت او، وی را یک سال تمام در سلول انفرادی زندانی نمود. وی در اولین دور محاکمات به یک بار اعدام و ۱۵ سال زندان و در دور دوم به حبس ابد محکوم گردید. در زندان قصر تهران وی به عنوان یکی از سازمان دهندگان حرکات اعتراضی و از جمله اعتصاب غذای بزرگ سال ۱۹۷۸ بود."

ارگان حزب کار سویییس، سپس به فعالیت انقلابی و سازمان گرا نه رفیق بعد از انقلاب بهمن پرداخته است و در زمینه تلاش رژیم برای دستگیری وی می نویسد:

"پلیس سیاسی برای دست یافتن به وی، فعالین زندانی فدایی در شیراز، اصفهان و محل تولد وی سمنان را تحت فشار قرار داده و مکرر و سه فرزند کوچک او را به عنوان گروگان زندانی نموده بود." این نشریه در ادامه مقاله خود می نویسد:

"مدتی پیش تر مشخص شد که مرتضی میثمی، دبیر کمیته مرکزی سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثريت) و منصور پور جم عضو کمیته ایالتی خوزستان پس از دستگیری زیر شکنجه در زندان اوین تهران به قتل رسیده اند."

نشریه فورورس با نقل بخشی از اطلاعیه مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) به مناسبت شهادت رفیق مودنی پور مقاله خود را به پایان می رساند.

* روزنامه تربییون ارگان حزب کمونیست کانادا در شماره اول آوریل خود با درج خبر به شهادت رساندن رفیق قربانعلی مودنی پور عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) خواهان اعتراض وسیع نسبت به جنایات رژیم خمینی شده است. این روزنامه می نویسد: "شهادت مودنی پور بار دیگر ضرورت اعتراض تمام کانادایی ها را بر علیه ادامه کشتار و اختناق در ایران ثابت کرد."

افشای جنایات رژیم های

ایران و عراق در کانادا

به دعوت دانشجویان مسلمان دانشگاه تورنتو (که اکثر اعضایش غیر ایرانی هستند) در روز ۲۲ مارس جلسه مناظره ای بین رجایی خراسانی سفیر

جمهوری اسلامی در سازمان ملل و نماینده دولت عراق تدارک دیده شد. زمان این جلسه مناظره مقارن با روزهای سیاهی بود که ظرفین با حملات پی در پی به مناطق مسکونی و کشتار هزاران نفر از اهالی بی دفاع این شهرها ابعاد جدیدی از سبیت را به نمایش گذاشته بودند. مناظره بنا بود در محل دانشگاه تورنتو انجام شود.

دانشجویان مبارز ایرانی که از این برنامه اطلاع یافته بودند قبل از آغاز برنامه در محل اجتماع کردند. مجریان برنامه با دیدن این جمع کثیر دانشجویان و چهره های خشم آگین آنها اعلام داشتند که به علت عدم شرکت نماینده عراق مناظره برگزار نخواهد شد.

دانشجویان مبارز ایرانی که از هواداران سازمان های مختلف سیاسی مترقی ایرانی از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران بودند، متحداً در حالی که تعداد زیادی پلاکارد حمل می کردند به تظاهرات بر ضد جنگ و بمباران مناطق مسکونی پرداختند. این تظاهرات که با حضور خبرنگاران تلویزیون و روزنامه های معتبر کانادا انجام می شد، به مدت دو ساعت ادامه داشت.

در پایان تظاهرات دانشجویان ایرانی، که تقریباً کلیه نیروهای چپ در آن شرکت داشتند، قتل نامه ای در محکوم ساختن تداوم جنگ و بمباران شهرها خوانده شد.

بخاطر صلح جهانی و صلح در منطقه

راهپیمایی صلح "اوستر" در روز ششم مارس در سراسر آلمان فدرال برگزار گردید. این راهپیمایی در منطقه رور از شهر دویسبورگ آغاز گشت. راهپیمایی که جمعا ۳ روز به طول انجامید در شهر دورتموند خاتمه یافت در این شهر نزدیک به ۵۰ هزار نفر اجتماع کردند.

فدائیان خلق و توده ایها که در راهپیمایی شرکت داشتند با خود پلاکاردهایی مبنی بر قطع جنگ ایران و عراق، تهدید شدن صلح جهانی به خاطر تداوم این جنگ، آزادی زندانیان سیاسی در ایران و شعارهای دیگری در محکومیت رژیم جمهوری اسلامی با خود حمل می کردند. در شهر دورتموند در محل اجتماع راهپیمایان صلح، میز کتاب و فروش نشریات برپا شد و اعلامیه مشترکی که از طرف سازمان حزب توده ایران و فداییان خلق (اکثريت) - آلمان فدرال به مناسبت راهپیمایی صلح "اوستر" منتشر شده بود وسیعاً توزیع گشت.

کتابی که در آن، مصاحبه رفیق رقیه دانشگری، عضو کمیته مرکزی سازمان با مجله راه و هدف ارگان ثنورک حزب کمونیست اتریش و نیز ترجمه مقاله ای از "کار" پیرامون نقش امریکا در جنگ خلیج فارس و مقالات مربوط به اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان به نقل از "عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان درج شده بود، مورد توجه شرکت کنندگان در راهپیمایی صلح قرار گرفت. رفیق هربرت میس صدر حزب کمونیست آلمان که سخنران این اجتماع پنجاه هزار نفری مردم در دورتموند بود، پس از پایان مراسم از میز مشترک فدائیان خلق و توده ایها بازدید بعمل آورد و با ردیکر بر همبستگی خود با حزب توده ایران و سازمان فداییان خلق ایران (اکثريت) تاکید نمود.

همبستگی جهانی با زنان ایران در روز ۸ مارس

بقیه از صفحه اول

السالودور" برگزار کردند. این برنامه شامل سخنرانی، موسیقی و آواز و نمایش اسلاید از وضعیت زنان ایران و السالودور بود از سوی اعضای "سازمان زنان پیشرو السالودور" و فعالین فدایی در لس آنجلس توضیحاتی در مورد وضعیت زنان در دو کشور داده شد. وضعیت زنان ایران و سیاستهای جمهوری اسلامی در پائمال ساختن حقوق زنان، محصور ساختن آنان در چهار دیواری خانه و آشپزخانه، قائل بودن تنها نیمی از شعور، شخصیت و اعتبار انسانی برای آنان و مبارزات زنان ایران بر ضد این پیدادگری ها تشریح گردید؛ گروه موسیقی شرکت کننده در برنامه که نام "سفید و سرخ" رنگهای پرچم جبهه رهایی بخش فارابوندومارتی را بر خود داشت به اجرای ترانه های انقلابی پرداخت و یک آهنگ خود را که جهت تقدیم به سازمان فداییان خلق ایران ساخته بود در این روز ارائه نمود.

مراسم این جشن توسط پرتیراژترین روزنامه اسپانیایی زبان لس آنجلس و همچنین دیگر مطبوعات و رادیوهای مرفقی انعکاس یافت. همزمان با این مراسم خبرنگاران اکثريت با یکی از کادرهای "سازمان زنان پیشرو السالودور" مصاحبه کرد. او در بخشی از این مصاحبه از جانب زنان پیشرو السالودور خطاب به زنان ایرانی چنین گفت:

"لازم است تاکید کنم که اکنون بیش از هر زمان دیگر، احتیاج به همبستگی و همفکری با یکدیگر داریم. بخوبی می دانیم که بین ما و شما عوامل مشترک بسیاری وجود دارد، عواملی که مبارزه ما را به هم پیوند می دهد. احساس ما اینست که مبارزات شما علیه رژیم جمهوری اسلامی برای کسب حقوقتان به عنوان یک زن و نیز برای دستیابی به استقلال، برابری و عدالت اجتماعی بخشی از مبارزه ماست. ما به شما به خاطر فعالیت هایتان در آن شرایط سخت و مبارزه ماندگارتان با ما درودی می فرستیم"

هندوستان

روز شنبه ۲۰ مارس فدراسیون ملی زنان هند میهنیتی در دهمی نوبه برای اعلام همبستگی با زنان ایران برگزار نمود. در این میهنیت ابتدا نماینده تشکیلات دمکراتیک زنان ایران در هندوستان به تشریح مبارزات زنان ایران و سیاستهای ارتجاعی رژیم پرداخت. سپس خانم ویمل فاروقی دبیر کل فدراسیون ملی زنان هندوستانی در زمینه نقش زنان ایران در مبارزه بر علیه رژیم شاه ابراز داشت و سیاستهای جمهوری اسلامی را در پائمال ساختن حقوق زنان ایران تشریح نمود.

خانم گیتا مکربی عضو شورای ملی حزب کمونیست هند و نماینده پارلمان هند نیز ضمن سخنان خود برای زنان ایران در مبارزاتشان آرزوی پیروزی نمود و اظهار داشت این میهنیت باید آغازگر اقدامات گسترده تر و سریع تر کلیه نیروهای مرفقی و دمکرات هند باشد و خود نیز متقبل شد بابریدن حقایق مربوط به زنان ایران به پارلمان هند، سایر نمایندگان را از ستمی که بر مردم ایران برپا شده

بر اثر خودکامگی، واپسگرایی و خیانتهای رهبران رژیم جمهوری اسلامی رومی گردد، آگاه نماید. سپس میهنیت دو قطعه نامه در رابطه با وضعیت زنان ایران و جنگ ایران و عراق صادر نمود بخشهایی از قطعه نامه به قرار زیر است:

"این میهنیت همبستگی خود را با زنان ایران اعلام می دارد و موج دستگیری، شکنجه و زیر پا گذاشتن ابتدائی ترین حقوق انسانی مردان، زنان و کودکان در ایران را محکوم می کند این اعمال نقض اصول حقوق بشر است و ما رژیم ایران را مسئول سرنوشت هزاران زن مرفقی و ضد امپریالیست که در زندانها داشته شده اند می دانیم..."

در قطعه نامه دیگر میهنیت فدراسیون ملی زنان هند آمده است:

"ما از ادامه جنگ بین ایران و عراق نگران و مضطرب هستیم. این جنگ خانمانسوز و ویرانگر تاکنون سیصد هزار کشته، یک میلیون و نیم معلول و سه میلیون آواره به جای گذاشته است. ما بمبارانهایی، مناقب مسکونی را محکوم می کنیم و از هر دو کشور می خواهیم که بلافاصله به گفتار خاتمه دهند..."

کانادا

همانگونه که در شماره گذشته خبر داده بودیم رفیق آنجلادیس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا و یکی از برجسته ترین رهبران جنبش جهانی زنان در مراسم ۸ مارس در کانادا شرکت کرد. او در



پایان سخنرانی خود در اجتماع این روز، به سوالاتی چند پاسخ گفت. او در پاسخ به یکی از سوالات راجع به وضعیت انقلاب و زنان ایران چنین اظهار داشت: "انقلاب ایران نه تنها برای مردم ایران بلکه برای همه جهان لحظه سعادت باری بود. ولی اکنون وضعیت بگونه ای دیگر است. رژیم جمهوری اسلامی ایران، زنان را تحت فشار قرار می دهد، کمونیستها را دستگیر و زندانی می کند... اما انقلاب ایران باید ادامه یابد و ما از این مبارزه پشتیبانی می کنیم."

بریتانیا

به مناسبت روز جهانی زن، در روز نهم مارس تجمع عظیمی از طرف جنبش زنان علیه بسته شدن معادن ترتیب داده شد. ۱۰ هزار زن و مرد در استادیوم شهر

چستر فیلد گرد آمدند تا حمایت خویش را از زنان معدنی اعلام دارند. سازمانهای متعددی از سراسر بریتانیا در این گردهمایی شرکت داشتند. سخنرانهای متعددی در طول مراسم انجام یافت. سخنرانانی از "جنبش زنان علیه بسته شدن معادن"، "جنبش خلع سلاح هسته ای"، "کنتره ملی آفریقای جنوبی و همچنین آرتور اسکارکیل رهبر اتحادیه سراسری کارگران معدنی بریتانیا سخن گفتند.

آرتو اسکارکیل در بخشی از سخنان خود گفت: "عده ای می گویند دستاوردهای این اعتصاب طولانی چه بوده است؟ من می گویم چشمهای خود را باز کنید ببینید چند نفر اینجا جمع شده اند. این خود یکی از دستاوردهای عظیم این اعتصاب است... شما زنان شکل مبارزه سیاسی کشور را عوض کردید. شما همه یاد دادید که چگونه باید مبارزه کرد ما این جنبش را پیش خواهیم برد. ما نه فقط معادن را حفظ خواهیم کرد بلکه جامعه را بسوی پیش می بریم که در آن استعمار انسان از انسان جایی نداشته باشد"

پس از پایان گردهمایی خبرنگاران اکثريت با تنی چند از شخصیتهای جنبش زنان بریتانیا مصاحبه نمودند

خانم "بتی هیت فیلد" رهبر جنبش زنان علیه بسته شدن معادن در بخشی از مصاحبه می گوید:

"... در کشور شما وضعیت زنان و واقعا رقت بار است. مبارزه زنان معدنی به ما ثابت کرد که با تشکل و بالا بردن سطح آگاهی مان قادر به رود رویی با مشکلات خواهیم بود و مطمئنا زنان ایران نیز با تشکل و مبارزه مداوم به خواستهای خود خواهند رسید. من به عنوان نماینده جنبش زنان علیه بسته شدن معادن به خواهران ایرانی برای مبارزات پیشتیشان درود می فرستم و بدانید که ما در اینجا از هیچ گونه کمکی برای بهبود وضعیتشان دریغ نخواهیم کرد"

خانم "جون رادک" صدر اول جنبش خلع سلاح هسته ای در پاسخ به سوال خبرنگار "اکثريت" در مورد چگونگی و نقش زنان ایران در پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق می گوید:

"... شاید یکی از بهترین انواع این مبارزه همانطور که از اخبار رسیده حاکی است، مبارزه زنان برای جلوگیری از فرستادن فرزندانشان به جبهه های جنگ می باشد..."

خانم "براندوین" صدر اول اتحادیه کارگران چاب که انتخاب وی به این سمت خود برای جنبش زنان یک پیروزی محسوب می شود ضمن مصاحبه خویش با خبرنگار "اکثريت" پیامی نیز برای زنان ایران فرستاد که بخشی از آن چنین است:

"... این خیلی ساده است که افراد به چیزی اعتقاد داشته باشند. اما خیلی شجاعت می خواهد که کسی جان خودش را برای اعتقادش از دست بدهد. ما به چنین شجاعتی احترام می گذاریم... موضوع قابل توجه این است که زنان ایران در سخت ترین شرایط مبارزه می کنند اما بهیچوجه پاپس نمی کنند. حتی زمانی که رژیم آنها را شکنجه می کند، به آنها تجاوز می کند، آنها را به زندان می اندازد، آنها به مبارزه خویش ادامه می دهند. این برای ما در غرب شجاعت بی شماری محسوب می شود.

ما تاکنون از طریق سازمان شما در جریان وضعیت زنان ایران قرار گرفته ایم، ما امیدواریم سازمان شما مرتب اخبار ایران را به دست کارگران بریتانیا برساند"

مصاحبه "اکثريت" با یکی از اعضای دفتر سیاسی "جبهه خلق برای آزادی عمان" برای پیروزی بر امپریالیسم و ارتجاع باید همه اشکال مبارزه را به کار گرفت

در تاریخ ۱۲ فروردین نیروهای نظامی آمریکا و عمان دست به مائور مشترکی زدند. این مائور به منظور ارزیابی میزان آمادگی این نیروها برای سلطه مجدد بر شهر و منطقه ای صورت گرفت که توسط مردم در یک حرکت انقلابی آزاد می‌شود.

انجام این مائور نه تنها افشاگر طرحهای مفسده جویانه و آشوبگرانه آمریکا برای کل منطقه است بلکه در عین حال و بویژه نشانگر هراس بسیار مقامات آمریکایی از آینده تحولات در کشور پادشاهی عمان است.

امپریالیستها اگر چه در دهه ۷۰ با کسب ارتش ایران به عمان و کشتار جمعی مردم ظفار (منطقه جنوبی عمان) توانستند ضرباتی بر جنبش انقلابی این کشور وارد نمایند، ولی همچنان نگران بی‌ثباتی حکومت به غایت ارتجاعی قابوس هستند. اکنون بقا این حکومت به حمایت و حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکایی مشروط شده است. نیروهای نظامی آمریکایی در پایگاههای متعددی در خاک عمان مستقر شده اند تا علاوه بر اینکه از این سرزمین در جهت اهداف نظامی تجاوزکارانه خود بهره‌می‌گیرند قابوس را از لیبیب خشم مردم محافظت نمایند.

قابوس در همان بدو حکومت برای استقرار بر تخت سلطنت به حمایت مستقیم نظامی نیروهای ارتجاعی خارجی متکی گردیده بود. در آن زمان ایالت

ظفار در جنوب عمان به دژ مستحکم جنبش انقلابی مردم این کشور بدل شده بود. شاه به دستور آمریکا نیروهای نظامی خود را روانه این کشور کرد تا دریای خون بپاشد و بکشد. برای همه مردم میهن ما، ظفار نامی آشناست. ظفار سرزمینی است که در آن سفاکی، تجاوزگری، مداخله جویی و سرسپردگی شاه آمریکایی به تمامی به نمایش گذاشته شد.

سازمان مادر آن سالها در همان بدو تجاوز شاه به عمان این عمل بربر منشانه را محکوم کرد و به همه اشکال ممکن به پشتیبانی از مبارزات مردم ظفار و همه مردم عمان برخاست. از آن سالها پیوند مستحکم میان رزمندگان فدایی و رزمندگان راه رهایی عمان برقرار گردید، پیوندی که روز به روز استوارتر شد. امروز تجلی این پیوند مناسبات برادرانه عمیقی است که میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و جبهه خلق برای آزادی عمان وجود دارد. این مناسبات بر آرمان‌های انقلابی مشترک و رزم مشترک علیه ارتجاع منطقه استوار است.

بر زمینه چنین مناسباتی، رفیقای از اعضای دفتر سیاسی جبهه خلق برای آزادی عمان با خبرنگار اکثريت به گفت‌و نشست و پیرامون تحولات اخیر در عمان و سیر فراز و نشیب ایدئولوژیک - سیاسی جبهه توضیحاتی داد. توجه شما را به متن مصاحبه جلب می‌کنیم.

عمان تا حد یک حزب طراز نوین طبقه کارگر و در عین حال ایجاد یک جبهه ملی و وسیع. ماسی می‌کنیم با تار ایدئولوژیک و سیاسی مداوم در داخل جبهه و برقراری موازین زندگی حزبی در داخل آن، جبهه را در راستای ایجاد یک حزب واقعی ارتقا دهیم و در عین حال با پیش بینی همکاری گسترده با جریانات، محافل و شخصیت‌های ملی در آینده (این نیروها فعلاً فعالیت چشم گیری از خود نشان نمی‌دهند)، مقدمات یک جبهه وسیع ملی را فراهم نماییم. اینها مسائل اساسی است که در کنگره ما مورد بحث قرار گرفت و در برنامه سیاسی ما تغییرات قابل توجه پدید آورد.

س: مناسبات دوستانه و سیاسی شما با متحدین جهانی و منطقه ای‌تان چگونه پیش می‌رود؟

ج: جبهه خلق برای آزادی عمان مناسبات خوبی با کشورهای اردوگاه سوسیالیستی بویژه با اتحاد شوروی، جمهوری کوبا و ویتنام سوسیالیستی دارد. ملاقات دبیر کل جبهه خلق برای آزادی عمان رفیق عبدالعزیز عبدالرحمن القاضی با دبیر کل حزب کمونیست ویتنام رفیق له دوان و ملاقات‌های متعددی با رهبران کوبا، مناسبات مستحکم را بین ما بوجود آورده است. ما با کشورهای ملی و مترقی جهان عرب نیز روابط بسیار حسنه داریم. دفتر مرکزی جبهه در عدن واقع است. مادر دمشق نیز دفتر سیاسی داریم. روابط ما با احزاب کمونیست و احزاب ملی و دموکراتیک در منطقه نیز بسیار دوستانه است.

ما طبق برنامه سیاسی‌مان از دولت دموکراتیک افغانستان پشتیبانی می‌کنیم. کمک‌های بی‌دریغ حزب لنین و دولت اتحاد جماهیر شوروی را به مردم افغانستان پاس می‌نهیم و توطئه‌های امپریالیستی و ارتجاعی علیه این دولت مترقی را محکوم می‌کنیم.

س: اوضاع سیاسی در عمان چگونه است؟ مبارزات جبهه چگونه پیش می‌رود؟

کمونیستی و کارگری عرب و جنبش آزادی‌بخش ملی عرب شامل سازمان‌ها و احزاب ملی و پیشرو را دوستان خود نامیدیم.

به این ترتیب دشمنی مانیز با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و کشورهای مرتجع منطقه و مخالفت جدی ما با طرح‌های آمریکایی برای حل مسائل منطقه از جمله مصوبات کیمپ دیوید و تلاش آمریکا برای پوشش جهان عرب زیر یک چتر آمریکایی، ایجاد پایگاه‌های متعدد در منطقه، حمایت روزافزون از اسرائیل تجاوزگر و تلاش برای بازگرداندن اوضاع به دوران ماقبل استقلال، تصریح می‌شود.

مساله دومی که در برنامه سیاسی ما مطرح بود و کنگره به آن پرداخت مساله شیوه‌ها و اشکال مبارزه و موضع ما در این مورد بود. جبهه در سابق به اشکال مختلف مبارزه دست زد ولی اشکالی از مبارزه را مطلق نمود. آن را از پیش تعیین نموده در برنامه سیاسی خود قرار داد. ما به تجربه به این نتیجه رسیدیم که در این کنار اشتباه کرده ایم. ما به تجربه ی خود و با دستیابی به تجربیات جهانی به این نتیجه رسیدیم که همه اشکال مبارزه را با توجه به شرایط عینی و ذهنی و امکانات موجود باید شروع دانست. و به موقع از آن‌ها استفاده نمود. تجربه قبلی ما نشان می‌داد که تعیین شیوه مسلحانه مبارزه بعنوان تنها روش اساسی، بار سنگینی را هم به ما و هم به جنبش انقلابی‌مان تحمیل کرد. اگر ما این روش را مطلق نمی‌کردیم چه بسا ضرباتی در آن سطح نیز متحمل نمی‌شدیم.

ما بر این اصل تاکید کردیم که در نهایت امر بدون توسل به قهر نمی‌توان استعمار را از عمان بیرون راند. ولی باید در شرایط آماده چه از نظر عینی و چه از نظر ذهنی و روانشناسی توده‌ای بدان دست یازید. این نظرات در برنامه سیاسی ما وارد شد و به عنوان مبانی تعیین شیوه مبارزه شناخته شد مساله سوم بطور جدی کنگره عبارت بود از ارتقا جبهه خلق برای آزادی

س: جبهه خلق برای آزادی عمان پس از ضربات سال ۱۹۷۲ و عقب نشینی‌های بعدی، به کار سیاسی گسترده در بین خلق عمان پرداخته است. طی این سالها چه تغییراتی از نظر ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی در جبهه رخ داده. رهوس برنامه سیاسی فعلی جبهه چیست؟

ج: سئوالاتی که شما مطرح می‌کنید در کنگره سوم جبهه خلق برای آزادی عمان که در سال ۱۹۸۲ برگزار گردید، مفصل مورد بررسی قرار گرفته است. مسئله اساسی در کنگره این بود که آیا جبهه به همان وضعی که بود باید باقی بماند و یا باید آثار تکامل داد و تغییرات جدی در برنامه سیاسی آن بوجود آورد؟ کنگره در نظر داشت راه و روش سیاسی جبهه را به دقت مشخص سازد. پیش نویس یک برنامه جدید سیاسی تهیه شده بود که در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت. در این برنامه مسئله دوستان و دشمنان ما در عرصه بین‌المللی بطور دقیق مورد بررسی قرار گرفته بود. این بررسی با توجه به خصوصیات عصر حاضر، عصر پیروزی سوسیالیسم و عقب نشینی سرمایه‌داری و همچنین وجود اردوگاه مستحکم سوسیالیسم و نقش آن در انقلاب جهانی و نیز نقش بزرگی که اتحاد شوروی در این اردوگاه بعهده دارد و قاطعانه از صلح جهانی دفاع می‌کند و پشتیبان واقعی جنبش‌های آزادی‌بخش و حرکات ملی در تمام جهان است، صورت گرفت. و مرز بندی دوستان و دشمنان ما با فرمول زیر ارائه شد: دوستان ما در عرصه جهانی عبارتند از کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها اتحاد شوروی، کارگران کشورهای سرمایه‌داری، جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان و ملل رهایی یافته از چنگ امپریالیسم.

در این برنامه ما به مسئله دوستانمان در جهان عرب نیز جداگانه پرداختیم. کشورهای ملی، پیشرو و ضد امپریالیست عرب شامل یمن دموکراتیک، جمهوری سوسیالیستی سوریه، جمهوری خلق الجزایر، جمهوری سوسیالیستی لیبی و هم چنین احزاب

گزارشی از هرات ...

بقیه از صفحه ۹

استاندار اذعان می‌کند: "در گذشته ما متکام اجرای اصلاحات ارضی عجله می‌کردیم و از این رو مرتکب خطاهای زیادی می‌شدیم. اکنون می‌کوشیم این کار را با تامل انجام دهیم. تصمیم‌گیری روی یک قلعه زمین توسط کمیسیونها پس از بررسی دقیق اوضاع محل و مشورت با ریش‌سفیدان ده انجام می‌گیرد. تصمیم وقتی اتخاذ می‌شود که اطمینان حاصل گردد فرد مربوطه واقعا استحقاق دریافت زمین و توانایی استفاده از آن را دارد.

گلداد، سرپرست هیات، اظهار می‌دارد: "به ویژه مهم این است که اصلاحات ارضی بجای جدا کردن دهقانان از هم، آنها را به هم نزدیک و روحیه جمعی را در ده تقویت کند. مردم باید بیاموزند که از زمین خود دفاع کنند، در روستاهایی که زمین تقسیم شده، باید با سرعت بیشتری گروههای دفاع از خود تشکیل داد. باید تعاونی‌های دهقانی را تقویت کرد."

وضع آب در استان مشکل است. تنها ۱۹ هزار هکتار زیر پوشش آبرسانی است. سی هزار هکتار زمین زیر این پوشش قرار ندارد. منطقه، گرمسیری و خشک است، و به باران اطمینانی نیست. از این رو باید تأسیسات آبیاری بزرگ و مجهز ساخت که بتواند زمینها را در سطح وسیع زیر پوشش قرار دهد. برنامه‌های دولتی انجام می‌دهد و پروژه آبیاری را پیش‌بینی کرده است. بیست و هفت پروژه به سیستم‌های بزرگ آبرسانی در دست ساختمان یا تجهیز آنها اختصاص دارد و پنج پروژه به سیستم‌های جدید مربوط می‌شود.

از جمله این پروژه‌ها، مجتمع بزرگ آبیاری سلمه در استان هرات است که ساختمان آن شروع شده است. طبق برنامه، این سیستم ۴۰ هزار هکتار بر ۲۴ هزار هکتار زمینی که هم اکنون زیر پوشش آبیاری قرار دارد، خواهد افزود. تأسیسات مزبور، سیستم مپیزی است که چند میلیارد افغانی خرج بر می‌دارد. با شروع کار آن، نه تنها استان هرات، بلکه مناطق همجوار نیز از کانالها و برکه‌های آن تغذیه خواهند کرد.

دهقانان با اشتیاق در انتظار چنین روزی هستند. ضد انقلابیون در صددند به مجتمع سلمه حمله کنند. تقریباً یک سال پیش یک باند بزرگ به یک پروژه تقریباً تکمیل شده حمله کرده، تأسیسات زیادی را تخریب نمود، ماشین آلات را به آتش کشید، شهرک مسکونی کارگران را منفجر کرد، سه عضو حزب را به قتل رساند و بسیاری دیگر را ربود. کار متوقف شد.

در جلسه از این مجتمع هم صحبت به میان می‌آید. دولت مقامات محلی در این امر که ساختمان مجتمع باید به پایان رسانده شود، متفق القولند.

یکی از اعضای هیات به مقامات محلی می‌گوید: "اما باید حفاظت را بهبود بخشید."

پس از جلسه، مکتی به اتفاق هم به انبار ماشین آلات آبیاری هرات می‌رویم و از بلدوزرها و سایر ماشین‌ها و جرثقیل دیدن می‌کنیم. ماشین‌ها کاملاً خوب کار می‌کنند و منتظر شروع کار هستند. گلداد پس از بازگشت به کابل، موضوع ساختمان مجتمع سلمه را مطرح می‌کند تا زمین هرات محصول غنی‌تری ببار آورد.

ست حرکت اقتصادی رژیم را از برنامه خود او که بنام برنامه پیش رفت مشهور است می‌توان ملاحظه نمود. طبق این برنامه ۴۵ درصد کل بودجه کشور به امور نظامی اختصاص داده می‌شود. نزدیک همین میزان تحت نام هزینه‌های متحرک صرف امور درباره، حفظ و گسترش کاخها، خرید کشتی‌های تفریحی و مخارج مسافرت قابوس و اطرافیانش می‌شود. باقی مانده ناچیز بودجه صرف امور عمرانی، بهداشتی و توسعه کشور می‌گردد. البته دزدی‌ها و سواستفاده‌های کلان و زورانی‌بایستی به این مجموعه اضافه نمود. برای بسیاری از مردم جهان مضحک است وقتی می‌شنوند در کشور ما هیچ گونه قانونی وجود ندارد. و اساساً قوه مقننه موجود نیست. همه مسائل با نام قوانین شرعی و در حقیقت مطابق منافع مسئولین و سردمداران کشوری حل و فصل می‌شود. در عمان هیچ‌گونه تشکل و سازمان سیاسی، صنفی، و اجتماعی و انسانی مشروع نیست و هر گونه تشکلی از این دست ممنوع می‌باشد.

جبهه امروز تمام نیروی خود را در خدمت افزایش آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم عمان، افشای جنایات امپریالیسم و رژیم قابوس در مبین ما، تلاش جهت ارتقا تشکیلات جبهه متحد یک حزب طراز نوین طبقه کارگر و تلاش جهت تشکیل یک جبهه گسترده ملی قرار داده است. ما سعی می‌کنیم شخصیت‌ها و محافل مترقی در عمان را که امروز فعالیت قابل ملاحظه‌ای از خود نشان نمی‌دهند، به فعالیت جدی‌تر و همکاری نزدیک با جبهه فرا خوانیم. ما باید در بین خلق عمان و نیروهای طرفدار جبهه کار سیاسی توضیحی گسترده‌ای پیش ببریم.

س: نظر شما در مورد جنگ ایران و عراق چیست؟ تأثیرات ادامه این جنگ و اوضاع منطقه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج: ما جنگ ایران و عراق را از همان ابتدا جنگی بی‌معنا دانسته و محکوم نموده‌ایم. ما طی دورانی که دولت مرتجع عراق مبتکر جنگ بود و به خاک ایران تجاوز کرده بود، مرتجعین بغداد را محکوم نموده و ادامه جنگ را به ضرر هر دو ملت ارزیابی کردیم و طرفین را به صلح عادلانه و دموکراتیک از طریق مذاکره دعوت نمودیم. امروز نیز که حکام جمهوری اسلامی در ادامه جنگ به داخل خاک عراق لشکرکشی کرده‌اند، این اقدام را محکوم می‌کنیم و خواهان اعلام آتش‌بس و آغاز مذاکرات رسمی هستیم. ادامه این جنگ نه تنها به ضرر دو ملت ایران و عراق بلکه برای تمام ملل منطقه یک فاجعه محسوب می‌شود. این جنگ جز تقویت مواضع امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج دستاورد دیگری نخواهد داشت.

در پایان این مصاحبه مایلیم از توجه عمیقی که به مسائل میهنی ما مبذول می‌دارید، و از فرصتی که برای توضیح مسائل انقلاب عمان در اختیار من قرار دادید صمیمانه تشکر کنم. روابط جبهه خلق برای آزادی عمان با سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) روابطی تاریخی و گسست‌ناپذیر است. ما در یک سنگر بر علیه رژیم شاه و رژیم قابوس جنگیده‌ایم.

گسترش بیش از پیش مناسبات دوستانه و همکاری‌های فکری و علمی بین ما و شما آرزوی قلبی ماست. متشکرم.

ج: از زمان بر سر کار آمدن رژیم قابوس در ۱۹۷۰، یک برنامه اصلاحی و رفهرمیستی در دستور کار رژیم قرار گرفت. این برنامه یکی از اهداف نابود کردن انقلاب از طریق انجام رفهرم و فریب مردم با پاسخ سطحی به بعضی از خواسته‌ها بود. یک شبکه راه سراسری در عمان ایجاد شد که البته نقش جدی در اقتصاد و حیات اجتماعی عمان داشت مدارس متعددی ایجاد شد همچنانکه می‌اندیشید سابقاً در عمان به غیر از مدارس مخصوصی که جبهه خلق برای آزادی عمان دایر کرده بود، تنها دو مدرسه ابتدایی وجود داشت. یکی دیگر از اهداف رفهرم باز کردن درهای کشور برای بیگانگان و بویژه امپریالیسم آمریکا که نظر از اقتصادی و چه از نظر سیاسی بود. در پی این اقدامات جزیره استراتژیک مصیره جهت ایجاد پایگاه نظامی در اختیار آمریکا قرار گرفت که با جزیره دیکو گارسیا و فیلیپین یک مثلث تشکیل داد. و بالاخره همچنانکه آگاه هستید قرارداد ۱۹۸۰ با آمریکا تنظیم شد که مطابق آن آمریکا اجازه یافت از تمام بنادر و فرودگاهها و تأسیسات نظامی عمان استفاده نماید.

در پی امتیازات فوق آمریکا از پایگاه مصیره، شمریت (که توسط رژیم شاه بنا شده بود) و پایگاه دریایی خصب در دهانه تنگه هرمز و همچنین از جزیره ام الفلم (در این جزیره پایگاه استراق سمع علیه اتحاد شوروی که سابقاً در شمال ایران بود نصب گردیده) استفاده می‌کند. وجود این پایگاهها در اراضی کشور عمان نه تنها خطری برای خلق عمان است بلکه همه کشورهای منطقه و حتی افغانستان و اتحاد شوروی را نیز تهدید می‌کند. جبهه خلق برای آزادی عمان مبارزات خود را برای برچیدن این پایگاهها پیش می‌برد و این امر یکی از اهداف بسیار مهم جبهه را تشکیل می‌دهد. رژیم قابوس درهای کشور را به روی شرکت‌های چند ملیتی گشود. این شرکتها آزادانه تمام منابع ملی و ثروت‌های زیرزمینی ما را به غارت می‌برند. معادن نفت و مس، ما به‌طور کامل در اختیار این شرکتها است. امتیازات متعددی نیز برای کشف دیگر منابع در اختیار این شرکتها قرار گرفته است.

این وضع ناانجاری‌های جدی در اقتصاد کشور ما پدید آورده است. اقتصاد طبیعی ما بکلی نابود شده، زراعت، ماهیگیری و دامپروری گسترده ملت ما روبه زوال است. تعداد کثیری از روستائیان به شهرها مهاجرت کرده‌اند، تعدادی از آنها جذب کارگاهها و کارخانجات کوچک و تأسیسات نفتی شده‌اند. این پدیده در عین حال باعث گسترش طبقه کارگر میهن‌شان شده است. رژیم قابوس از این امر در هراس است. او سعی می‌کند مانع تشکل کارگران بعنوان یک طبقه گردد. به همین دلیل از یک سو مقدمات کار دهها هزار از کارگران عمانی را در دیگر کشورهای خلیج فراهم می‌آورد و از سوی دیگر دهها هزار کارگر خارجی را در عمان استخدام می‌کند. او همچنین با وارد کردن این نیروی کار ارزان که عمدتاً از هندوستان و کره جنوبی هستند، دست‌مزد کارگر عمانی را نیز در سطح نازلی نگه می‌دارد. این سیاست وضع ناانجاری را در کشور ما بوجود آورده است. به‌طوری‌که مادر مقابل یک صد و پنجاه و سه هزار کارگر عمانی، سیصد و شصت هزار کارگر بیگانه در کشورمان داریم و این در حالی است که بیش از صد هزار نفر از کارگران عمانی در امارات متحده عربی مشغول بکارند.

در آستانه اول ماه مه

نگاهی به عملکرد سندیکاهاى شوروى

اجتماعی است. سندیکاها، کار واحدها، ساختمان واحدهای مسکونی و توزیع مسکن را کنترل می کنند و به مسائل تامین رفهتی و بهداشتی زحمتکشان می پردازند. سندیکاها پیاتر خواستها و نظرات کارگرانند، بر رعایت قوانین نظارت کرده و با شتاب زدگی افرای و بوروکراتیسم مقابله می نمایند.

حق و تو

نظر سندیکاهاى کارخانه در انتصاب مدیران هر واحد مد نظر قرار می گیرد. بدون موافقت سندیکا، مدیریت حق ندارد هیچ کارگر یا کارمندی را اخراج یا منتقل کند. سندیکاها در اینگونه موارد حق و تو دارند. هرگاه کارگری توسط مدیریت اخراج شود، تصمیم سندیکا بدون حکم دادگاه کافی است که او دوباره به سرکار بازگردد.

رعایت مقررات ایمنی تنظیم شده از سوی بخش نظارت فنی سندیکاها از جانب مدیریت اجباری است. نه وزارتخانه و نه دادستانی هیچ کدام نمی توانند این مقررات را لغو کنند. بخش نظارت فنی سندیکا حتی می تواند در شرایطی که سلامتی پرسنل در خطر باشد، رای به تعطیل کارخانه بدهد. مثلا چندی پیش به رای سندیکا، یک کارخانه تولید کننده چراغهای نئون در مسکو تعطیل شد، زیرا به تشخیص ناظرین سندیکا، مواد سمی از قاسمات آن نشت می کرد. با برطرف کردن نواقص، از سرگیری کار کارخانه امکان پذیر گردید. اما با وجود این به خواست شورای سندیکا، کارخانه به خارج از شهر

سندیکاهاى شوروى گسترده ترین سازمانهای توده ای این کشورند. آنها حدود ۹۹ درصد کارگران و کارمندان و اکثریت بزرگی از دهقانان کالخوزها را در برمی گیرند و مطابق رشته های تولیدی تقسیم بندی شده اند. همه کارکنان هر واحد صرف نظر از حرفه خود عضو یک سندیکا هستند. در مجموع در کشور ۲۲ سندیکا وجود دارد.

بیانگر خواست ها و نظرات کارگران

سندیکاها آزاد و مستقل از دولتند. آنها دارای حق ارائه لایحه هستند، در انتخابات ارگانهای دولتی کاندیدا معرفی می کنند و در برنامه ریزی اقتصاد شرکت دارند. بدون موافقت سندیکاها، تغییر قیمت ها، شرایط کار، دستمزدها و حقوق بازنشستنی قابل تغییر نیست.

هیچ ارگان دولتی اجازه کنترل دخل و خرج سندیکاها را ندارد. سندیکاها از دولت کمک مالی دریافت می دارند.

سندیکاها بدون توسل به اعتصاب از منافع زحمتکشان دفاع میکنند. البته در اتحاد شوروی اعتصاب ممنوع نیست. اما از آنجا که همه مسائل به شیوه ای دموکراتیک حل می شود، اعتصابی انجام نمی گیرد. مثلا دستمزدها مرتبا افزایش می یابند. علاوه بر این همه اقدامات مدیریت، از تغییر شرایط کار گرفته تا تغییر میزان تولید باید با موافقت سندیکای کارخانه باشد.

همه ساله سندیکا با مدیریت قراردادهای جمعی می بندد که شامل تعهدات متقابل، مثلا در مسائل



منتقل شد.

یک مثال دیگر: در یک کارخانه آلیاژهای آهن، بعلت نقصی در بخش کوره ذوب، محبدا اطراف آلوده شده بود. کارگران نامه ای به روزنامه "ترو"، ارگان اتحادیه سندیکایی نوشتند. بازتاب مقاله روزنامه و فعالیت سندیکا باعث شد مدیر کارخانه برکنار و به ۵ سال زندان محکوم گردد.

شمار اعضای سازمان های اجتماعی شوروی (به هزار نفر)

۱۲۱۲۰۰	سندیکاها
۴۲۰۰۰	سازمان جوانان
۱۰۹۰۰۰	صلیب سرخ و هلال احمر
۱۰۴۰۰	جمعیت های علمی و فنی

بررسی شده است. در پایان این اعلامیه گفته شده: "طبقه کارگر بر افتخار ایران، رزمنده پیشتاز در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در خلال مبارزات چند سال اخیر خود به خوبی به ماهیت ضدکارگری جمهوری اسلامی پی برده است. طبقه کارگر هر روز بیشتر از پیش به این نتیجه می رسد که فقط با اتحاد و تشکل است که می تواند به حقوق حقه صنفی و سیاسی خود دست یابد."

در بخشی از اعلامیه دیگری که عنوان آن "کارگر نوازیها"ی اخیر حکومت، عوامفریبی و جلوه دیگری از سیاست کارگرتیزی است، چنین می خوانیم:

بدانید و آگاه باشید که تمام این خیمه شب بازیها و عوامفریبی ها و تبلیغات پر سروصدای حکام مرتجع درباره کارگردوستی شان، تنها و تنها نشانه ضعف رژیم در مقابله با مبارزات شاست. رژیم علاوه بر زبان زور حالا زبان عوامفریبی و "کارگرنوازی" را هم بکار گرفته است. اما این ترفند هم کار ساز نخواهد بود.

به پیش تازید! و ذره ای تردید در پی گیری مبارزات بحق خود، راه ندهید!

بیروزی شما در اتحاد شاست. اگر متحد شوید، مطمئن باشید که پیروزی را به کف خواهید آورد."

جنگ طلبی های دیو صفتانه او بلند کن!

زنده باد صلح و آزادی!

نابود باد جنگ و استبداد!

* "در کارخانه زامیاد این شعارها نوشته شد:

جنگ را فلق کنید، مردم صلح می خواهند.

پیش به سوی تشکیل سندیکا و شورای واقعی

مرگ بر ارتجاع!

انجمن اسلامی چهارچشمی مواظب است تا شعار نویسیها را پیدا کند

در کارخانه پروفیل نیمه سبک در جاده مخصوص کرج نیز به طور مرتب شعارهای سازمان در رابطه با صلح و عدالت اجتماعی نوشته می شود. مسئولین کارخانه هر هفته دستور می دهند شعارها را پاک کنند ولی فوراً شعارهای تازه ای بر دیوار نقش می بندند."

* در اسفندماه سال گذشته در افشای عوامفریبی جدید حکومت مبنی بر فروش سهام کارخانجات به کارگران، اعلامیه های متعددی از سوی هواداران سازمان خاصه کارگران عواد را انتشار یافت و در سطح وسیعی پخش شد. از جمله گروهی از کارگران هوادار سازمان در تاریخ ۱۲ اسفند اعلامیه ای منتشر ساخته اند که در آن سابقه این امر در انقلاب سفید شاهنشاهی

تابنده باد مشعل رزم فدائیان!

بقیه از صفحه ۷

مردم زحمتکش ایران!

این تنها بمبها، راکتها و موشکهای رژیم ضد مردمی عراق نیست که هم میهنان شما را در شهرهای میهن به خاک و خون می کشد. ارتجاع حاکم بر ایران نیز در این کشتار و ویرانی، به همان اندازه سهیم است. آنها که در مقابل هر بمب و راکت و موشک عراقی از شوق مقابله به مثل کف بر لب می آورند، به دروغ ادعا می کنند که حافظ جان مال و ناموس مردمند. ارتجاع حاکم فقط و فقط در فکر افکار و امیال جنگ طلبانه خود است. انبوه اجساد جوانان میهن که در طی عملیات بدر کشته شده اند و باتلاقیهای شرق دجله را رنگین کرده اند، بزرگترین دلیل خوی جنگ طلبانه حکام جمهوری اسلامی است. این رژیم در وجود و ادامه جنگ، بقای خود را می بیند. حکومت می خواهد در پی پرده دامن زدن به آتش جنگ، خود را از زیر ضرب اعتراضات فزاینده مردم علیه استبداد و اختناق حاکم بر میهن، علیه بی عدالتی و غارت لجام گسیخته سرمایه داران خارج سازد. هموطنان!

بانگ اعتراض خود را علیه تشدید و ادامه جنگی - تانسانوس، علیه عوامفریبی های ارتجاع حاکم و علیه

رویدادهای جهان



اتحاد شوروی پشتیبان نیکاراگوئه است

خبرگزاری شوروی تاس طی تفسیری درباره اوضاع آمریکای مرکزی اعلام کرد اتحاد شوروی بطور تمام و کمال از مشی نیکاراگوئه در این منطقه پشتیبانی می‌کند. تاس افزود تنها راه حل مسائل موجود در این منطقه مذاکره دولتهای ذیربط است. در این تفسیر همچنین آمده است این موضع نیکاراگوئه، مورد پشتیبانی همه آنهاست که به آرمانهای دمکراسی و صلح پایبندند و در راه تحقق اصول منشور ملل متحد می‌روند.

تفسیر تاس می‌افزاید: "اتحاد شوروی در آینده نیز سهم خود را در تلاش به منظور یافتن یک راه حل سیاسی عادلانه در این منطقه ایفا خواهد کرد. اتحاد شوروی سیاست تجاوز و مداخله در امور داخلی نیکاراگوئه و اجرای سیاست تروریسم دولتی در قبال این کشور را قاطعانه رد می‌کند، باید به این فعالتهای که می‌تواند بر روند اوضاع بین‌المللی تأثیرات جدی بر جای نهد، پایان داد."

در تفسیر خبرگزاری شوروی، بعنوان علت تشدید وخامت اوضاع در آمریکای مرکزی از گسترش فعالتهای خطرناک دولت ایالات متحده علیه نیکاراگوئه نام برده شده است، فعالتهایی که "در سراسر جهان با خشم فراوان مواجه میگردد. در خود آمریکای نیز تکرانی فزاینده به چشم می‌خورد."

از سوی دیگر ریکان که با توجه به موضعگیریهای قبلی پاپ امیدوار به جلب پشتیبانی واتیکان از طرح خود مبنی بر دادن اولتیماتوم شصت روزه به دولت نیکاراگوئه برای مذاکره با ضد انقلابیون بود، سعی کرد کلیسای کاتولیک را در مقابل عمل انجام شده قرار دهد. بهمین منظور بدون کسب موافقت قبلی واتیکان، حمایت پاپ را از سیاستهای اعلام داشت. ظاهراً آش آفای ریکان حتی برای پاپ هم بیش از حد شور بوده است! نمایندگی واتیکان در واشنگتن اظهارات اورا تکذیب کرد. یک روزنامه نزدیک به مقامات واتیکان نوشت ریکان نشان داد اوضاع گذشته هنرپیشه بوده است!

سخنان اخیر رهبران چین درباره مناسبات با اتحاد شوروی

هو باو ثوابت، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست چین طی یک کنفرانس مطبوعاتی در پکن خواستار بهبود روابط با اتحاد شوروی گردید. وی گفت چین خواهان روابط دوستانه با سایر کشورها بر مبنای اصول همزیستی مسالمت‌آمیز است. رهبر حزب کمونیست چین افزود: "چرا نباید با یک کشور سوسیالیستی که طولانی‌ترین مرز مشترک را با ما دارد، روابط دوستی و حسن همجواری داشته باشیم؟"

لی پنگ، معاون نخست‌وزیر چین هفته گذشته با میثی از جمعیت شوروی دوستی و روابط فرهنگی با خارج و انجمن دوستی شوروی و چین ملاقات نمود. وی در این دیدار گفت میان مردم چین و شوروی دوستی سنتی وجود دارد، و رهبران دو کشور بهبه مناسبات را خواستارند لی پنگ افزود گسترش تماسهای دوستانه بین دولت تأثیر مثبتی برون این مناسبات خواهد گذاشت.

روز دوشنبه ۲۶ فروردین (۱۵ آوریل) در پکن میان هیات نمایندگی جمعیت شوروی دوستی و روابط فرهنگی با خارج و انجمن دوستی شوروی و چین از یک سو، و انجمن دوستی باخارج مردم چین و انجمن دوستی چین و شوروی از سوی دیگر موافقت‌نامه‌ای درباره همکاری در طرف در سال جاری به امضا رسید.

تدارک انتخابات در افغانستان

شورای انقلاب افغانستان طی یک نشست فوق‌العاده تصمیم گرفت در این کشور ظرف سال جاری انتخابات مجلس شورای ملی انجام گیرد. در انتخابات مجلس افغانستان، اعضای حزب دمکراتیک خلق افغانستان، نمایندگی جبهه ملی پدر وطن و سایر سازمانها، دهقانان، روشنفکران، ریش‌سفیدان و روحانیون و نیز اعضای شورای وزیران و شورای انقلاب داوطلب احراز کرسی نمایندگی خواهند شد. تاریخ دقیق برگزاری انتخابات در آینده تعیین خواهد گردید.

سند مشترک اپوزیسیون شیلی

رهبران نیروهای مختلف اپوزیسیون شیلی سند مشترکی درباره احیای دمکراسی در این کشور به امضا رساندند. در این سند که "عهدنامه برای زندگی، حقوق بشر و دمکراسی" نام دارد، آمده است اینک در شیلی ایجاد یک جامعه آزاد و دمکراتیک اجتناب‌ناپذیر است. امضا کنندگان تعهد کرده‌اند در راه رسیدن به این هدف، جهت‌گیریها و مواضع ایدئولوژیک گوناگون خود را در درجه دوم اهمیت قرار دهند. سند مزبور، از جمله توسط "رهبری ملی زحمتکشان" (اتحادیه سندیکایی شیلی)، جنبش دمکراتیک مردمی (که حزب کمونیست شیلی در آن عضویت دارد)، و "اتحاد دمکراتیک" بر مبرر، دمکرات مسیحی‌ها امضا شده است.

تظاهرات ده‌ها هزار نفره در آفریقای جنوبی

شنبه گذشته در آفریقای جنوبی لاقلاً سه نفر دیگر از انالی سیامپوست بدست پلیس رژیم آپارتاید به قتل رسیدند. این جنایت درد و شوهرک سیامپوست نشین روی داد.

همچنین هفته گذشته در مراسم تشییع جنازه ۲۹ تن از مردم سیامپوست که در روزهای اخیر به دست پلیس نژادپرست به قتل رسیده‌اند، دهها هزار نفر شرکت جستند. اسقف دژموند توتو، برنده جایزه نوبل در این مراسم سیاست نژاد پرستانه رژیم آفریقای جنوبی را محکوم کرد.

یک شاعر عینی رویدادهای ۲۱ مارس در آفریقای جنوبی، اظهار داشت پلیس در این روز حتی

بروی زخمی‌ها تیراندازی کرد. وی که زخمی شده و وانمود کرده بود مرده است، شنیده بود که یک مأمور پلیس به دیگری می‌گفت باید زخمی‌ها را کشت. تانثوانند علیه پلیس شهادت بدهند.

سودان: مذاکرات برای تشکیل دولت موقت

شورای موقت نظامی در سودان در هفته گذشته طی نشستی با نمایندگانی "اتحاد نیروهای میهن‌پرست" باتشکیل یک دولت موقت غیرنظامی موافقت کرد. خبرگزاری سودان که این خبر را گزارش کرده است، می‌افزاید یک سخنگوی جبهه مزبور، که در آن علاوه بر هفت حزب، منجمله حزب کمونیست سودان، سندیکاهای کشور نیز عضویت دارند، اظهار داشت دولت موقت یک‌سال امور را درست خواهد داشت.

سخنگوی جبهه نامبرده همچنین گفت این اتحاد پیشنهاد کرده‌است در دوران گذار، قوای مقننه و مجریه به شورایی مرکب از پنج عضو هیات دولت منتقل شود. بیش از آن نیز شورای نظامی پذیرفته بود پس از طی یک دوران گذار، یک نظام چند حزبی پارلمانی برقرار گردد.

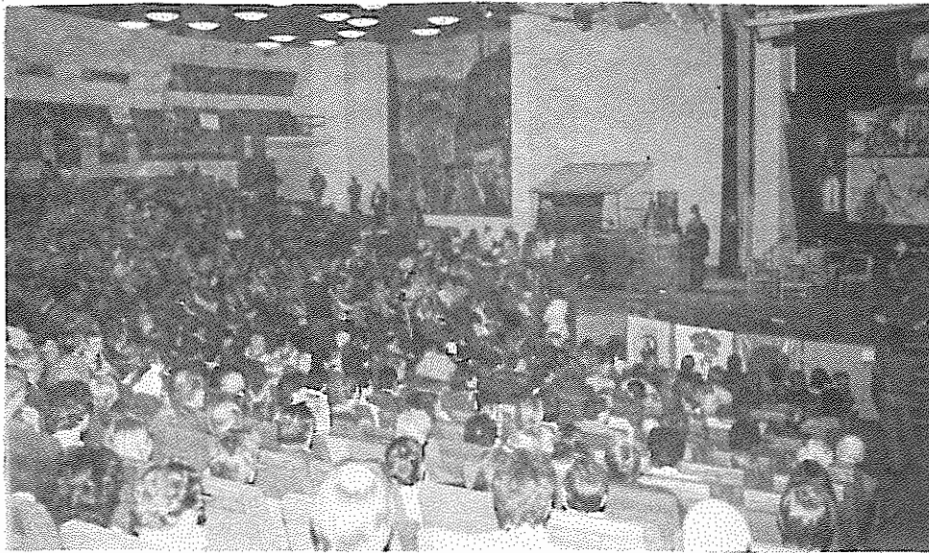
ژنرال عبدالرحمان سوارالذمب، رئیس شورای نظامی سودان، در مصاحبه‌ای با روزنامه مصری "اخبارالایم" گفت سودان مایل است روابط خود را با همه کشورها، از جمله اتحاد شوروی، بر پایه احترام متقابل و منافع مشترک گسترش دهد. وی همچنین به روابط دوستانه دولت سودان با آمریکا اشاره کرد ابراز داشت که دولت‌ش از آمریکا انتظار ادامه کمک اقتصادی را دارد. ذهب روابط نزدیک سودان با مصر را نیز مورد تأکید قرار داد.

استعفای دولت لبنان

روز چهارشنبه ۲۸ فروردین به گزارش رادیو بیروت دولت لبنان استعفا نمود. دولت وحدت ملی به ریاست رشید کرامی نخست‌وزیر از همه گروههای سیاسی مهم کشور تشکیل میشد. این استعفاد رابطه با درگیریهای مسلحانه میان گروههای مختلف شیعه‌نظامی در مناطق غربی بیروت در عصر روز سه‌شنبه روی داد. به گزارش خبرگزاریها، در جریان این درگیریهای خیابانی، که در آن از نارنجک انداز و موشک نیز استفاده شد تا صبح روز چهارشنبه حدود هفتاد نفر به قتل رسیدند. تلاش رهبران احزاب و گروههای سیاسی برای برقراری آتش‌بس نافرجام ماند.

از سوی دیگر پاندهای مورد حمایت نیروهای اشغالگر اسرائیلی هفته گذشته در بخش اشغالی دره بقاع به یک روستا حمله کردند و به گزارش روزنامه النداء چاپ بیروت لاقلاً ده نفر را به قتل رساندند. از آنجا که مزدوران اسرائیلی بلافاصله پس از این جنایت با محاصره روستای مزبور، ارتباط آن را با جهان خارج قطع کردند، جزئیات این واقعه هنوز فاش نشده است. حزب کمونیست لبنان در بیانیه‌ای خاطرنشان ساخت که این قتل‌عام جدید جزئی از طرح اسرائیل برای ایجاد "منطقه امنیتی" است که می‌خواهند در آن آرامش کورستان را حکمفرما کنند. در اسرائیل اعلام شد از هنگام تجاوز صیونیست‌ها به لبنان در سال ۱۳۶۱ تاکنون ۱۴۰ نفر مشمول از انجام خدمت سربازی در لبنان سرباز زده و به همین جرم محاکمه و زندانی شده‌اند.

جشن همبستگی با انقلاب افغانستان در سوئد



دکتر آناهیتا راتب زاد در حین سخنرانی در جشن همبستگی با انقلاب افغانستان در استکهلم - سوئد

در تاریخ افغانستان زنان دارای حقوق برابر با مردان شدند. وجود من در این جا خود گواه بارز تحقق این امر است. حق کار کردن تأمین شده است. مبارزه علیه بی‌سوادی در حال پیشروی است. بیش از ۱/۵ میلیون نفر که قبلاً بی‌سواد بودند، اکنون دارای سواد خواندن و نوشتن هستند.

بعد از پایان سخنان دکتر راتب زاد، تعدادی از پیشاهنگان، به نمایندگی از سوی حزب کمونیست کارگری سوئد و دبیر احزاب برادر از جمله فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در سوئد، دسته‌گلهایی به رفیق آناهیتا هدیه کردند. به هنگام اهدا گل ابراز احساسات حضار به حدی رسید که فریادهای رسی آنان در همبستگی با انقلاب افغانستان، سالن "خانه مردم" را به لرزه درآورده بود. جشن با اجرای سرود انترناسیونال توسط گروه اکتبر از جمهوری دموکراتیک آلمان و همراهی حضار، پایان پذیرفت.

مدارس و اماکن عمومی، تنها ارمغان باند‌های ضدانقلاب برای مردم افغانستان است. انسان‌های بی‌گناه و بدون اسلحه در دمات هدف اعمال تروریستی ضد انقلابیون قرار می‌گیرند. زنان بیوه می‌شوند و کودکان بدون والدین. ضدانقلابیون تاکنون ۱۸۱۴ مورد عملیات تخریبی و آتش‌سوزی به راه انداخته‌اند. به بنای ۱۲ بیمارستان آسیب وارد کرده و راه‌ها و نیروگاه‌های مولد برق را تخریب کرده‌اند... اما با این وجود من به شاقول می‌دهم که مردم افغانستان با قاطعیت از حق خود برای ساختن یک زندگی سعادت‌بار و از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع خواهند کرد. انقلاب افغانستان بدون بازگشت است و بدون وقفه تا پیروزی قطعی به راه خود ادامه می‌دهد.

دکتر راتب زاد، در ادامه سخنان خود به گوشه‌هایی از اقدامات انجام یافته به نفع مردم افغانستان اشاره‌ای نمود و گفت: برای اولین بار

در روز ۲۱ مارس در "خانه مردم" شهر استکهلم، جشن همبستگی با انقلاب افغانستان باشکوه فراوان برگزار گردید. این جشن با حضور دکتر آناهیتا راتب زاد، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دبیر سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اعتبار و اهمیت ویژه‌ای یافته بود. جشن مزبور به ابتکار حزب کمونیست کارگری سوئد و شرکت فعال فدائیان خلق ایران (اکثريت) و سازمان حزب توده ایران در سوئد ترتیب یافت و به عرصه تجلی همبستگی پرشورو عمیق با انقلاب افغانستان و افشای توطئه‌های امپریالیسم جهانی علیه مردم افغانستان تبدیل گردید. جشن‌های دیگری در شهرهای گوتنبرگ، مالمو و سوندسوال برگزار شد.

به هنگام ورود رفیق آناهیتا راتب زاد به سالن جشن که با شعارهای متعددی با مضمون دفاع از انقلاب افغانستان، منجمله شعار "زنده باد دوستی خلق‌های ایران و افغانستان" تزیین شده بود - جمعیت انبوهی که موفق به راهیابی به سالن شده بودند با پرشورترین احساسات، مقدم این سفیر انقلاب افغانستان و این شخصیت زن برجسته جنبش انقلابی جهانی را گرامی داشتند.

رفیق راتب زاد در سخنرانی خویش با وضوح و احوال کنونی در افغانستان و روند جاری در این کشور را تشریح نمود و در پاسخ تبلیغات امپریالیستی مبلی بر "اشغال" افغانستان توسط نیروهای اتحاد شوروی اظهار داشت: در سال ۱۹۷۸ در اثر توطئه‌های حفیظ الله امین و دیگر عوامل خارجی، انقلاب شور با خطر جدی مواجه شد. در چنین شرایطی و برای نجات انقلاب، دولت قانونی افغانستان دست کمک به سوی اتحاد شوروی دراز کرد. این درخواست کمک، درخواستی است که معمولاً دوستی در شرایط سخت و دشوار از دوست خویش می‌کند.

دکتر آناهیتا در سخنان خویش به برشماری گوشه‌هایی از جنایات باند‌های تروریست و جنایتکار مورد حمایت آمریکا و ابادیش در منطقه پرداخت و اظهار داشت: "بمب‌گذاری و مین‌گذاری در مساجد،

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را
رفیق خالد و رفقای دهمی
تأمین کردند

AKSARIYAT
NO.53
MONDAY APR.22.85
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

اول ماه مه گرمی باد!

کارگران و زحمتکشان ایران!
روژیم خمینی سال گذشته تلاش کرد پیش نویس قانون ضدکارگری و ارتجاعی سرحدی زاده را به شما تحویل کند. شما در برابر روژیم ایستادید و آن پیش نویس را رد کردید. روژیم با زهم می‌کوشد همان پیش نویس را تصویب بگذارد.
در آستانه سال نو، روژیم خمینی با تصویب قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار" خیانت دیگری علیه شما مرتکب شد. هدف این قانون برای کشته شدن و بایمال کردن حقوق شماست.
در آستانه سال نو، روژیم خمینی قانون فوق ارتجاعی "حدود و فعالیت بختی" را تصویب کرد. این قانون علیه شماست.
متحد شوید و متشکل گردید، برای انفاء قوانین ارتجاعی علیه روژیم مبارزه کنید!
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

با جمع‌آوری کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام

وظایف انقلابی

یاری دهید!

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!